



دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۶۶ برابر ۱۴ مارس ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۹

باسبزه نای گندم چنگیز

اینجا غبارِ صورتی و سبزی،
پاشیده اند روی درختانِ دور دست.
که در هوا، هنوز شناور، معلق است.
از راه دور، بوی بهارِ ترا هنوز،
آمیخته به خونِ خزان،
احساس می کنم

ای جلگه ای که رایحه هجرت
از برگ بزرگ باغ و بهارِ تو می وزد.

می بینم، آه، آنجا،
گنجشک ها که بر لبِ پاشوره های حوض،
با ماهیان سرخ، سخن از مهاجرت،
می گویند

باسبزه نای گندم چنگیز
دهقانِ توس و تبریز!
نوروز باستانی فرخنده باد!

شبیعی کد کنی
از مجموعه "بوی جوی مولیان"

«نوروز» پنجره ای به بهار زندگی و طبیعت

لبخند، خاک مرده و آوای شوم تفریت
هر میهن ما بیاشند. دیسه های
اهریمنان را، تا به اکنون واپس
رانده ایم و ازین پس نیز واپس
خواهیم راند.

حرمت کشته گان بی کفاه این
چنگ اهریمنی را پاس می داریم. با
دردمندی دل های خائوارهایی که
ناخواسته، چنگ از آنان قربانی
ستاده است، همدردی می کنیم. یاد و
نام عزیزان از دست شده خویش را
پاس می داریم اما...

به خواست اهریمن تن نمی دهیم
و اگر امیداشت ست های کرامی خویش
را از یاد نمی بریم. نوروز، ارثیه ای
پس بر بهاست که از گذشتگان به ما
رسیده است. "نوروز" را با گستردن
سفره هفت سین، با وسعت دادن
روشنایی در آب های آیفه ها، دلها و
چشم ها جشن می گیریم. تاریکی ها را از
شان و مان و دل و جان خود دور
می کنیم. گل و گیاه تازه می رویانیم.
کلاب و بوهای خوش در راهای خویش
می بر اکثیم.

اهریمن، سکوت و مرگ
می خواهد. ما هلهله می کنیم و سرود
زندگی را سر می دهیم. اهریمن، رفک
سیاه و اندوه می خواهد، ما رنگهای
شادمانه و شادی بهارانه را گسترش
می دهیم. اهریمن، غزا و تعزیت

سال نشود. ماه نشود. روز نشود. دیگر
بهار، به فراز آمدن بهار، رگهای گیاه و
درخت از جریان تازه حیات آکنده
می شوند. غبار از خانه برمی گیریم.
غبار از دل و از جان و امی ستریم. به نو
شدن روز، دل و جان تازه می کنیم و
هزاران سالکی مبارک نوروز را،
شادمانه جشن می گیریم. نیاکان ما
"نوروز" را روز یگانگی ها،
مهرورزی ها، شادمانیها و دوستی ها
قرار داده اند. نوروز را که روز ورق
خوردن سال از خشکناهی به طراوت،
از پیچ بستگی به سبزه، از خُرد گی به
تیر و مندی و شادابی، از زمستان به
بهار است، همانند نیاکان خویش
مبارک و شکوه می داریم.

نوروز آمده، اهریمن نفرت بار
چنگ اما، همچنان بر فراز میهن ما
می چرخد. پیران اهریمن و پلشتی اما،
بر خانه و زادگاه ما، چنگ نفرت و
ویرانی فرو برده اند. اهریمنان
شاد، کُش، دشمنانه، به سنن کرامی
ملت ما، به هر آنچه که نشانی از
فرائض قدیمی، میهن دوستی و عشق دارد،
بیورش آورده اند. می کوشند تا بجای
سفره هفت سین سفره سوگ در خانه هایمان
بگسترند
چراغانی شوق و شادی، حجه ها، مرگ
را در خانه ها و گذرگاه هایمان چراغان
کنند. می کوشند تا بجای کلاب و

می خواهد، ما مشعل عشق و دوستی و
سرنوشتی را بر می افروزیم. اهریمن،
دیوها و ددان خویش را بر جان ما و
میهن ما و هستی ما مسلط می خواهد. ما
اما، به تیر و مندی، دست در دست
یکدیگر می نهمیم تا مرگ و نیستی و
تباهی را از جان خود، میهن خود و

هستی خود دور کنیم.

اهریمن "نوروز" را خوار
می شرد و کبر به قابود، اش بسته
است. ما نوروز را جشن می گیریم و
پاس می داریم. روز نوروز، بر همه
ایرانیان مبارک و کرامی باد!

در این شماره

یک روایت

از نخستین روزهای آخرین دور جنگ شهرها
در صفحه ۲

تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج از کشور
علیه موشک باران شهرها

در صفحه ۷

کارشکنی پاکستان و جمهوری اسلامی
در عادی سازی اوضاع در افغانستان

در صفحه ۵

میلیونها انسان، دو هفته انتظار داشته شدن کین و نفرت از
جنگ افروزان، این است. حاصل این دور از جنایات
نوبتی دو رژیم علیه مردم غیر نظامی شهرها و روستاها.
آیا این دور، آخرین دور جنگ شهرها بود؟

اگر این را از خمینی بپرسد، می گوید نه! او از
جنگ بیست ساله هم آهایی ندارد. "فرق نمی کند
مرگ با تافک و توپ باشد یا با موشک". خلیفه
جماران و شوکر افش، هنوز با بی شرمی وعده ادامه
جنگ در جبهه ها را می دهند. و در آن سوی مرز نیز
جنایتکاری همچون رفقای آخوندش نشسته است. "تا
جنگ هست، جنگ شهرها هم هست." صدام حسین در
روز پنجمین ۲۰ اسفند ماه گفت به شرط اینکه
نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حمله تازه ای در
جبهه ها سازمان ندهند و به شرط اینکه آخرین شربه را
بقیه در صفحه ۳

توقف جنگ شهرها

آیا این آخرین دور جنایات نوبتی دو رژیم بود؟

نهمین دور جنگ شهرها پس از ۱۴ روز متوقف
شد. از این ۱۴ روز، ۱۲ روز آن صرف "جنگ
موشک ها" شد. خمینی و صدام حسین، مانند آخرین
روایات سال ۶۲، در آستانه عید نوروز سال ۶۷ نیز
شادی مردم را به زهر دمنشی خویش آلودند. تهران،
اصفهان و قم برای نخستین بار در طول جنگ هفت و
نیم ساله، آماج موشک های زمین به زمین عراق قرار
گرفتند. دهها شهر و روستا در ایران و عراق بمباران و
کلوله باران شدند. صدها تن کشته و هزاران مجروح،
صدها خانه و مدرسه و بیمارستان ویرانه، دو هفته
تکرانی و اضطراب و وحشت، دو هفته گریز و در بدری

نامه‌ای از تهران، از میان خون و آتش و دود

یک روایت از نخستین روزهای آخرین دور جنگ شهرها

برداشتیم، می‌خواهم بروم کرج، همه تصمیم داشتند به کرج، دماوند و یا جایی در اطراف تهران بروند، بخصوص که چهارشنبه (فردای آفرین) هم بخاطر تولد حضرت علی تعطیل رسمی بود.

ساعت ۲ بعد از ظهر خیابان ایرانشهر مورد حمله قرار گرفت. من یک ربع بعد از آن به مقصد خانه به راه افتادم. مردم سه پشته کنار خیابان ایستاده و منتظر تانکی بودند. تمام ماشین شخصی‌ها از مسافر پر بودند، خیابان انقلاب بکلی راه‌بندان بود. بمب‌بازهای هاف‌های یک کیلومتری داشتند. در راه آژیر قرمز زده شد، رادیو از لطیفی هوای بهاری می‌گفت و این پدر مردم را عصبانی می‌کرد. بالاخره سوار یک کرایه شخصی شدم. راننده یک دانشجوی دانشگاه بود که می‌گفت: "صبح رفتم کلاس دیدم شیشه‌ها خرد شده." سواره دختری سوار شد و با وحشت پرسید: "الان وضعیت قرمز؟" گفتیم: "هروقت که وضعیت قرمز بوده خبری نشده." یکی از مسافرها حالت کوبیده رادیو را به خود گرفت و گفت: "علامتی که هم اکنون می‌شنوید اعلام خطر یا وضعیت قرمز است و معنی و مفهوم آن این است که آمده، زده و رفته!"

آن شب باز هم حمله موشکی شد. آن شب هوا بارانی و همراه رعد و برق بود. غرش رعد و نور برق فرقی با نور موشک و صدای انفجار آن نداشت. ما مجبور بودیم با رعد و برق هم از ترس به زیر زمین (پناهگاه‌ها) پناه ببریم. تلویزیون گنگاه برشامه را قطع می‌کرد و با مای و هوی فراوان از فرستادن موشک، به سمت بغداد حرف می‌زد.

روز بعد موضوع صحبت، گفته‌های خمینی بود که می‌گفت "مردم به این موشکها می‌خندند!" یکی می‌گفت "دیدم خره چی گفت. نقش از جای گرم بلند می‌شود." مردم دیگر در کوچه و خیابان، تانکی و اتوبوس بدون ترس به خمینی و داروستانش فحش می‌دادند. یکی تعریف می‌کرد که جلوی مغازه‌اش ایستاده بود که فاکتور موشکی به فودیک آن محله اصابت می‌کند. مردم دوروبر همه با ابراز بی‌زاری و گفتن بد و بیراهه و فحش نسبت به خمینی به طرف محل اصابت موشک دریدند که به مجروحان کمک کنند. در آنجا زنی با لباس خونی از خانه‌ای درمی‌آید و می‌گوید: "دخترم زیر آوار مانده، ای مرگ بر خمینی، انشاءالله خمینی به عوای احمدش بنشیند..." مردم هم با او هم صدا شده بودند که ناکهان گروهی

هم صدا، نزدیک شدن موشک (که صدایش تقریباً مثل صدای رد شدن هواپیما است) بگوش رسید و پس از آن دو انفجار پی در پی هم از شدت وحشت خشک زده و در مانده شده بودند. نمی‌دانستیم چه باید بکنیم. تمام چراغها را خاموش کردیم. برخلاف دفعات پیش برق شهر قطع نشده بود. ولی ما هنوز شک داشتیم که هواپیما است یا موشک. اوضاع که کمی آرام شد تمام اعضای آپارتمان در طبقه اول جمع شدند. صاحبخانه سعی می‌کرد با شوخی بقیه را دل‌داری دهد. اما شوخی‌های او فمی‌توانست کسی را بخنداند. دختر بچه همسایه‌مان از ترس زبانش بند آمده بود و هذیان می‌گفت.

طفل معصوم همچنان هذیان می‌گفت. مادرش داشت او را دل‌داری می‌داد. ناکهان یک‌بار دیگر برق شدیدی درخشید و صدای انفجار خانه را لرزاند. دختر بچه همسایه هم از ترس به لرزش افتاد. همه برای دل‌داری بچه گفتند، ترقه بود، چهارشنبه‌سوزی است. اما رنگها پریده و صورتها وحشت زده بود.

تا ساعت ۲ شب ما همه توی خانه همسایه پائینی مانده بودیم. فکر می‌کردیم آنجا امن‌تر است. در فاصله دو انفجار همسایه‌ها با یکدیگر گفتگو می‌کردند. گفتگو که نبود، فقط فحش بود که به خمینی می‌دادند. موشک دوم که مخفی‌تر شد یکی داد کشید پس چرا "بیت امام" را نمی‌زنند. "مرتیکه رفته تو، غار زیر کوه قایم شده."

فردا صبح (سه‌شنبه) به سرکارم رفتم. قیافه همه خواب‌آلوده بود و همه دهن‌دره می‌کردند. کمی بعد از ساعت ۱۰ باز هم صدای انفجار آمد. یکی از همکاران به زحمت توانست شماره منزلش را بگیرد. چون در این مواقع تلفن‌ها به سرعت اشغال می‌شود و بعضی خلعا به کلی خراب می‌شود. کمی بعد فهمیدیم که موشک در خیابان شیروی هوایی منفجر شد. با این خبر آقای... همکار دیگرمان دو دستی زد به سرش و از محل کار زرد پیرون. مدرسه بچه آقای... در خیابان شیروی هوایی بود. یکی دیگر از همکاران رو کرد به ما و گفت: "همه تعطیل کرده‌اند، ما هنوز کار می‌کنیم. من که دیگر نمی‌مانم. مگر چاتم را از سر راه

مسیر بازگشتش به منزل از ۲۵ شهریور بود. همسایه بقلی که خیلی مضطرب بود، گفت شوهرش هم هاشم‌جان تدریس خصوصی دارد و تا حالا هم نیامده... همسایه دیگرمان گفت: "مهری و مهین هم که خرید رفته بودند، هنوز نیامده‌اند." تلفن هم مرتب زنگ می‌زد و همه تأیید کردند که ۲۵ شهریور را زده. در زیر زمین نشسته بودیم و یکی یکی بچه‌ها می‌آمدند، شوهر همسایه بقلی بالاخره آمد و گفت مسجد الجواد را زدند. فکراتی مادر من شدیدتر شد. بعد دوست برادرم از راه رسید و گفت که در امجدیه بوده که شیشه‌های سالن شکست و ریخت سرشان. موج انفجار سالن بادی نزدیک امجدیه را برده هوا و انداخته زمین. ماشین او هم بخاطر شیشه خورده‌ها پنجر شده بود. ساعت هفت و نیم شده بود که برادرم رسید. او پیش از انفجار در راه‌بندان ۲۵ شهریور گیر کرده بود. به همین خاطر انفجار موشک را با چشم خود دیده بود. او برایمان تعریف کرد که "ناکهان دیدیم آسمان بکلی قرمز شد و نور شدیدی آمد، پدشال آن صدای مهیبی بلند شد و ماشین از جایش کنده شد. از ماشین که پیاده شدم، سنگ و خاک بر سرم می‌ریخت. همه مردم با عجله به طرف محل انفجار می‌دویدند، بمب درست کوچه بالای مسجد الجواد افتاد." تا آن موقع ما هنوز نمی‌دانستیم که انفجار مال موشک است و همه تعجب می‌کردیم که چرا صدای هواپیما نمی‌آید و یا چرا ضد هوایی نمی‌زنند.

ساعت حدود ۸/۵ بود که اول صدایی شبیه صدای هواپیما آمد و بعد صدای انفجار که خانه را لرزاند باز هم تلفنها شروع شد که کجا بود. این بار خیابان‌ها خیلی خلوت شده بود و همه در خانه مانده بودند، مردم دیگر از بهارهای پیش تجربه داشتند که اگر هنگام انفجار در خیابان باشند موج انفجار صدمه زیادی می‌زند و با اصطلاح "موجی" می‌شوند.

حدود ساعت ۱۲ شب، فوری مانند فلاش عکاسی در پنجره توجه مرا جلب کرد. پس از لحظاتی صوت انفجار و موج آن رسید و شیشه‌ها به شدت لرزید. پس از دو سه دقیقه آژیر قرمز صدا درآمد. این اولین بار بود که علامت قرمز می‌دادند. ما به سرعت به زیر زمین خانه رفتیم، باز

روز دوشنبه به قصد خرید به چهارراه امیر اکرم رفته بودیم، بعد از آن تصمیم داشتیم به ۲۵ شهریور رفته و چند تکه لباس برای شب عید بخریم. ساعت یک ربع به شش بعد از ظهر بود که سوار تانکی شدیم. در راه تصمیمان عوض شد. سر خیابان تخت طاووس از تانکی پیاده شدیم و منتظر تانکی بعدی بودیم که ناکهان آسمان رو بروی ما قرمز شد و صدای مهیبی آمد. به سرعت به کفار پیاده‌رو زیر چتر مغاوه‌ای آمدیم. مردم همه از هم می‌پرسیدند: صدای چه بود، دوباره شروع شد،... نه! بمب دستی بود...

خلاصه تانکی گرفتیم و رفتیم توی تانکی راننده گفت: "خانم فکر کنم بمب دستی بود." مردم به این علت اول فکر می‌کردند بمب دستی است که یک هفته گذشته نقاط مختلف تهران از جمله نیاوران شاهد انفجار بمب دستی بود. چون شخصت وزیر ترکیه هم تهر آن بود. روز شنبه ۵ فقر را به اتهام بمب‌گذاری دستگیر کرده و در میدان فردوسی در جلوی چشم مردم به دار کشیدند. راضفده ادامه داد که "مردم دیگر صدای بمب هواپیما را می‌شناسند پس چرا اصلاً ضد هوایی نزنند." دیگری می‌گفت: "آخر صدایش خیلی شدید بود." حرف این مسافر هنوز تمام نشده بود که ناکهان صدای وحشتناکتری بلند شد و بصورت کشیده پخش شد، تانکی تکافی خورد و راننده سرش را دوید. مسافری گفت: "بی‌شرفا خودشان شروع کردند. بعد از اینکه عراق پالایشگاه را زدن آنها بغداد را با موشک زدند." دیگری فوری گفت: "چهارتا موشک زدند به بغداد. تقصیر خودشان است." راننده تانکی گفت: "نمی‌دانم که بمب بود یا نه، آندفعه که میدان فردوسی بمب دستی گله‌اشته بودند من درست آنجا بودم که شیشه‌های تانکی خرد شد. این یکی هم هر چه بود خیلی نزدیک اینجا بود." از تانکی که پیاده شدیم به سرعت به طرف خانه آمدیم. (من و مادرم). مادرم ابراز فکراتی زیادی بخصوص برای برادرم می‌کرد.

دم در خانه همه همسایه‌ها جمع شده بودند. از راه که رسیدیم گفتند: "۲۵ شهریور را زدند، شما آنجا نبودید؟" ما دیدیم که چه شائسی آوردیم آنجا نرفتیم ولی دلواپسی، برای برادرم بیشتر شد. آخر او

توقف جنگ شهرها آیا این آخرین دور جنایات نوبتی دور رژیم بود؟

پرتاب بیش از ۲۰ موشک به شهرهای عراق، است. گزارشهای دیگر، با اختلافات اندکی، همین گزارش را تایید می کنند.

جمهوری اسلامی، شمار کشته شدگان موشک باران تهران را نزدیک به ۲۰۰ تن اعلام کرده است. با توجه به اینکه بیش از ۵۰ موشک به تهران، آن هم به محلات پرجمعیت و پرترکم اصابت کرده اند، این رقم بسیار کمتر از رقم واقعی است. عراق خبر از تلفاتی بیش از ۲۰۰ تن داده است که این رقم نیز با در نظر گرفتن قدرت تخریبی بیشتر موشک های برد کوتاه جمهوری، اسلامی نسبت به موشک های میان برد عراق، غیرواقعی است.



صفحه ای از تهران در هفته گذشته

شاردها تیک برای پایان دادن به جنگ شهرها

در روز سه شنبه ۱۸ اسفند، اتحاد شوروی، خواهان تشکیل اجلاس فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ شهرها شد. عراق مخالفت خود را با این پیشنهاد اعلام کرد. علت این مخالفت، چنین بیان شد که پایان جنگ شهرها، به رژیم خمینی فرصت غلبه بر بحران فاشی از حمله به مناطق مسکونی را خواهد داد.

در روز پنجشنبه ۲۰ اسفند (۱۰ مارس)، صلیب سرخ بین المللی در ژنو فتراشی خود را آغاز مجدد جنگ شهرها اعلام کرد و از دو کشور خواست که به جنگ پایان دهند. در همین روز گنای کراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو گفت موشک هایی که در چارچوب قرارداد دفاعی با عراق به این کشور تحویل داده شده اند دارای بردی فزوده اند که به تهران برسد. کراسیموف افزود هر گونه تغییر فنی موشک های تحویل داده شده به عراق مستلزم اجازه دولت شوروی، است و دولت شوروی چنین اجازه ای، به عراق نداده است. سخنگوی وزارت خارجه شوروی باردیگر بر ضرورت پایان دادن به جنگ شهرها و نیز اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبنی بر برقراری آتش پس تاکید ورزید.

دو موشک جمهوری، اسلامی به بغداد شلیک شدند و العماره توسط هواپیماهای ایرانی بمباران شد.

چهارشنبه ۱۹ اسفند، سه موشک به تهران و دو موشک به بغداد اصابت کردند. در این روز پس از سه هفته، باز دو نفت کش در خلیج فارس مورد حمله دو طرف قرار گرفتند. تا این روز، ۴۸ موشک به شهرهای ایران و ۲۰ موشک به شهرهای عراق شلیک شده بود.

پنجشنبه ۲۰ اسفند، اندکی پیش از طلوع آفتاب دو موشک عراقی (که "السنین" نام دارند) به تهران شلیک شدند. دقایقی پیش از آن، شاری از مردم بی گناه بصره و القرقه عراق قربانی حملات توپخانه جمهوری، اسلامی شده بودند. در این روز همچنین اصفهان، همدان، اراک، دزفول، شوش و شیرکرد بمباران هوایی شدند. زبیداء، العماره و ام القصر در این روز توسط نیروهای جمهوری اسلامی بمباران یا کلوله باران شدند.

وبالآخره در روز جمعه، ۱۲ شهر در ایران و چند شهر عراق در جریان حملات متقابل آسیب دیدند.

درباره شمار کل موشک های پرتاب شده، آمارهای متفاوتی منتشر شده است. یک گزارش حاکی از شلیک ۶۱ موشک عراقی به تهران، اصفهان و قم (از جمله ۵۵ موشک به تهران) و

بقیه از صفحه اول

در جنگ شهرها عراق وارد کند. حاضر است از روز جمعه ۲۱ اسفند، ساعت ۴/۵ بعد از ظهر به این دور از جنگ شهرها پایان دهد. صدام حسین به حرف خود عمل کرد، در روز جمعه، آخرین روز، تهران و قم هدف حملات موشکی و همدان، بروجرد، دزفول، اراک، اردبیل، مراغه، ایلام، باختران، باهه، اسلام آباد و روستایی از توابع رشت، آماج بمباران هوایی شدند.

یک هفته دیگر، اضطرار

یک هفته دیگر

مرگ و ویرانی

در روز دوشنبه ۱۷ اسفند، عراق به فروند موشک به تهران شلیک کرد، طبق آمار رادیوی جمهوری اسلامی، در این روز در تهران ۱۲ تن کشته و ۲۰ تن مجروح شدند. در همین روز، جنگنده های عراقی ۱۷ شهر ایران را مورد حمله قرار دادند. در اراک و مریوان، حملات این روز تلفات و خسارات سنگینی به بار آورد. شهرهای ام القصر، العماره، القرقه و موصل در عراق نیز در این روز هدف موشک ها، توپها و بمب های جمهوری اسلامی بودند.

در روز سه شنبه ۱۸ اسفند، سه موشک به تهران، یک موشک به قم و یک موشک به اصفهان اصابت کردند.

عزب الله سر می رسد و می گویند، "جنگ جنگ تا پیروزی... مردم با ابراز تنفر شدید نسبت به آنها، وادارشان می کنند در موضعه دفاعی قرار گیرند."

رادیو مرتب اعلام می کرد، "از تجمع در کنار محل های بمباران شده خودداری کنید، در خیابانها زیاد پیاده راه نروید، عده زیادی دور هم جمع نشوید، به کودکان دلدار، دهید..."

پنجشنبه ساعت ۲/۵ صبح صدای انفجار موشک اهالی تهران را از خواب براهید. روز بعد (جمعه) تلویزیون با افتخار اعلام می کرد که قدرت تخریبی موشک های ما ۴ برابر قدرت تخریبی موشک های عراق است. و تکه پاره های موشک را نشان می داد. از محل های بمباران شده، بیشتر بیمارستان عیوض زاده که یک زایشگاه خصوصی است نشان داده می شد. در این زایشگاه ۸ واکشته شدند و عده زیادی کودک تازه بدنیا آمده، جوانترین کشته یک کودک یک ساعته و پیرترین قربانی یک زن ۷۰ ساله بود.

روز جمعه اوضاع تقریباً حالت عادی به خود گرفت. دیگر بمب بفرین ها شروع نبود. مغازه ها بیشتر از روزهای قبل باز بودند. فروشنده ها با خوشحالی به هم می گفتند، "بفرش، آتش بس". حدود ظهر من از میدان ۲۵ شهریور رد شدم. منظره خبری در ۲۵ شهریور خیلی وحشتناک بود. شیشه های خانه ها تا شعاع ۵۰۰ متر شکسته شده بودند عده ای، مشغول اندازه گرفتن پنجره ها برای ترمیم آن بودند. ماشین های پارک شده تا دو کوچه ایستاد و آن طرف زیر آوار له شده بودند. داخل کوچه مردم ازدحام کرده بودند. ولی حق خداستند جلو بروند. در این محل اعضای یک خانواده (یک زن و شوهر و دو پسر کوچک) از قربانیان این موشک بودند. خبری در خیابان فیلولفر (آبادان، فویخت) کمتر بود. چون موشک به خود خانه اصابت نکرده بود ولی طبقه دوم دو ساختمان ایستاد و آن طرف خیابان نیمه ویران شده بود. مردم تاوه داشتند آرامش خود را باز می یافتند که در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر یک موشک به خیابان سبلان اصابت کرد. در یکی از خانه های این محل مجلس مهمانی بود که حدود ۲۰ نفر در آن شرکت داشتند. همه آنها در جا به قتل رسیدند.

ساعت ۵ صبح امروز (شنبه) باز هم صدای انفجار آمد مردم همه بسوی تلفن ها شتافتند. بعد دهن به دهن چرخید که "سید خندان رازده"...

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

پار دینگر جمهوری اسلامی را محکوم کرد

کمیسیون حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد روز پنجشنبه ۲۰ اسفند با انتشار الماعیه‌ای برای چندمین بار حکومت جمهوری اسلامی را به خاطر نقض بخش حقوق بشر محکوم کرد. در الماعیه این سازمان از جمهوری اسلامی خواسته شد که از شکنجه و اعدام زندانیان خودداری کند. در اعلامیه کمیته بین‌المللی حقوق بشر در زمینه تداوم سرکوب زندانیان و نقض میثاق‌ها، بین‌المللی توسط رژیم جمهوری اسلامی آمده است، این هفتمین سال پیاپی است که کمیته حقوق بشر از پایمال شدن حقوق انسان‌ها به بدترین شیوه آن یعنی اعدام توسط حکومت جمهوری اسلامی ابراز تخرانی عمیق می‌کند.

اعمال فشار روانی و جسمی و بدرفتار، با زندانیان سیاسی از سوی مسئولین زندان‌ها، جمهوری اسلامی موارد دیگری است که در این اعلامیه مورد انتقاد و تکریم قرار گرفته است. در اعلامیه همچنین گفته شد که در سال گذشته طبق آمارهای رسمی دهها زندانی سیاسی که بازداشت به سر می‌بردند به دلیل عقایدشان اعدام شده‌اند.

آمار ذکر شده در اعلامیه کمیته بین‌المللی حقوق بشر تنها آن بخش از جنایات رژیم را شامل می‌شود که آمار آن در اختیار این سازمان قرار گرفته و صدها تن از انقلابیون که بیگانه‌های در زندانها و در درگیریه‌ها، خیابانی به دست مزدوران رژیم کشته می‌شوند را در بر نمی‌گیرد.

هفت نفر در ملاعام اعدام شدند

در بهجوه چنگ‌شهرها و درحالی که موشک‌اندازی‌ها و بمباران‌ها قضایی از رعب و وحشت را بر تهرآن حکم فرما کرده بود، رژیم با انجام هفت اعدام علنی دیگر، بر این رعب و وحشت افزود.

عصر روز ۸ اسفند، پنج نفر که همگی از اهالی مهاباد بودند، در میدان فردوسی به دار آویخته شدند. "دادستانی انقلاب اسلامی" اعلام کرد اتهام این عده، بمب‌گذاری در میدان فردوسی بوده است. همچنین ظهر روز ۱۰ اسفند، در یکی از پیرفت و آمدترین ساعات روز، میدان تجریش شاهد صحنه فجیع به دار آویختن دو تن دیگر بود. اتهام این دو تن نیز بمب‌گذاری اعلام شد.

تکه پپ شهر اجلاس مشترک

ایران و شورای همکاری خلیج

به گزارش خبرگزاری فرانسه از ریاض، یکی از سختگیران شورای همکاری خلیج فارس اظهارات ولایتی وزیر امور خارجه و معاون وی را پیرامون تشکیل اجلاس مشترک ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس تخطیب کرد. مقام مژبور اعلام نمود که هیچ‌کس به ایران پیشنهاد تشکیل اجلاس بین‌المللی ایران و مقامات کشورهای عضو شورا در هر سطحی نداده است.

روز ۱۷ فوریه بهار تری اعلام کرده بود که ایران جهت مذاکره به پیرامون مسایل چنگ‌ایران و عراق و تشنج در منطقه خلیج فارس در اجلاس مشترک کشورهای عرب عضو شورا شرکت می‌کند. این خبر راه

انتشار لیست نامزدهای انتخاباتی در تهران

روزنامه کیهان، رضوی، نماینده تهریز و برخی دیگر از نمایندگان به سفرانی پرداختند. در پایان میزگرد عصری در رابطه با مجلس و مجمع تشخیص مصلحت، بر این نکته تأکید کرد که اگر مصوبات مجلس آینده با نظرات مجمع تشخیص مصلحت اختلاف "زیربنایی" داشته باشد، مجمع در مقابل آن نمی‌تواند کار بکند.

در آستانه آغاز ثبت‌نام کاندیداهای یکی از افراد که به قصد کاندید شدن در شهر شورا توانج ساری از سمت اجرایی خود استعفا داده بود، به اتهام جعل اسناد سیاه بازداشت شده است.

سختگوی شورای نگهبان صبح روز چهارشنبه ۱۹ اسفند طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام اسامی کاندیداهای مختلف از سوی وزارت کشور را "غیر قانونی" و "متک حقیت" کاندیدها خواند و تأکید کرد که نظارت بر اجرای انتخابات، و تصمیم نهایی از اختیارات شورای نگهبان است و هیچ مقامی بر شورای نگهبان نظارت ندارد و این شورا وزیر مقرر ولی فقیه بر تمام کارها قاطع است.

در این مصاحبه که آیت‌الله مومن نیز شرکت کرده بود در زمینه فعالیت "احزاب و گروه‌ها" به شهرتکار روزنامه رسالت گفت: "انجمن‌ها، گروه‌ها، احزاب و جمعیت‌ها می‌توانند در حوزه فعالیت خود کاندیدای خود را تبلیغ کنند" او سوی شورای نگهبان کاشانی، مومن، اشعری، علیزاده و معیارزاده به عنوان اعضای مرکز نظارت شورای نگهبان بر انتخابات معرفی شده‌اند. برخی از رویدادهای که طی دو هفته گذشته در حاشیه مسائل انتخابات رخ داده در کلیشه‌های زیر منعکس است. این کلیشه از روزنامه کیهان برگرفته شده است.

افزایش بهای ارز و سکه

به گزارش روزنامه رسالت ۶ اسفندماه، در آخرین روزهای سال جاری، بهای ارز و سکه در بازار آزاد تهران رو به افزایش گذاشته است. طبق این گزارش بهای اقلام مختلف ارز و سکه در روز ۵ اسفندماه به شرح زیر بوده است:

دلار آمریکا، ۱۱۵ تا ۱۱۶ ریال.

مارک آلمان غربی، ۶۶۵ تا ۶۷۰ ریال.

پوند انگلیس، ۱۱۹۰ تا ۱۲۰۰ ریال.

سکه بهار آزادی، ۱۲۸۰۰ ریال.

امسال هم

انجمنی کارکنان دولت می‌دویدند

دبیر ستاد بسیج اقتصاد، اعلام کرد از تاریخ ۲۰ اسفند "انجمن عید" و پاداش کارکنان دولت، توزیع ... منسوجات بین‌آنان آغاز خواهد شد. بدین ترتیب امسال هم تمام یابختی از عید و پاداش کارکنان دولت نقدا پرداخت نخواهد شد. رژیم قصد دارد این دود، آشکارا به توزیع پارچه، پوشیده نگه دارد. اقدام مژبور در رابطه با تنگنای مالی شدید دولت است که بار آن هر چه بیشتر به دوش مردم منتقل می‌شود.

تبلیغات انتخاباتی و تلاش چنگ‌ها، رژیم جمهوری اسلامی از هفته گذشته، فراوانی به خود گرفته است. در تهران انجمن اسلامی معلمان، گردانندگان خانه کارگر و اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) دست به تهیه یک لیست ائتلافی زده‌اند که تاکنون روی ۲۸ تن از نامزدها به عنوان کاندیدای مشترک به توافق رسیده‌اند. بهای نه‌هفته مطبوعات دولتی در جمع کاندیداهای ائتلاف سه گانه نام برخی از نمایندگان فضای مجلس دیده می‌شود.

از سوی دیگر "روایتی مبارز تهرآن" که توسط مهدوی، کنی نخست‌وزیر سابق جمهوری اسلامی اداره می‌شود، تاکنون بر روی ۳۰ تن از داوطلبین نمایندگی مجلس سوم به عنوان کاندیدای خود به توافق دست یافته‌اند. در میان کاندیداهای این گروه نیز تعدادی از نمایندگان فعلی و برخی از نمایندگان مجلس اول حضور دارند. مهدوی کنی دو ماه پیش طی مصاحبه با روزنامه "تهرآن تایمز" احتمال هر گونه ائتلاف با انجمن‌ها، اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) را رد کرد.

مسئولین "دفتر" از اوایل ماه جاری، جهت هماهنگی فعالیت‌های انتخاباتی و تبلیغی خود، یک نشریه مرکزی، نشریه فعالیت دومین در اولین شماره این نشریه فعالیت دومین دوره مجلس و عملکرد نمایندگان در این دوره مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین هفته گذشته از سوی ائتلاف سه گانه میزگردی در تهران با عنوان "بررسی چشم‌انداز مجلس سوم با تأکید بر حاکمیت‌شناسی و تدوین چنگ" تشکیل شد. در این میزگرد دعایس دوزدوزانی نماینده تهرآن، محمد اصغری نماینده تهرآن و سرپرست

تیران شنبه ۴ اسفند ۱۳۶۶

بازداشت یسکی از داوطلبین نمایندگی مجلس سوم

گزارش رسیده از ساری حاکی است یسکی از افرادی که به قصد کاندید شدن در شهر نور از سمت اجرایی خود استعفا داده بود به اتهام جعل اسناد، بازداشت شده است.

تبلیغات انتخاباتی در مصران

گزارش دیگری حاکی است در یسکی از کورستان، لیست انجمن افغان شخصی که قصد کاندید شدن در مجلس سوم شود پخش فوت کرده است. شخص مزبور در مراسم فاته پندرش که روحانی بوده حاکم استفاده انتخاباتی را نموده است. این گزارش می‌افزاید: وی نامزدی خود را برای نمایندگی مجلس با نصب پستاردهای تبلیغاتی اعلام کرده است.

تبلیغ پیش از موعد

در استرا یکی از کاندیداهای مجلس سوم بر خلاف قانون و قبل از زمان مقرر، تبلیغات انتخاباتی خود را با چاپ و پخش اعلامیه آغاز کرده است.

خبری از خوزستان

به گزارش رسیده از خوزستان برخی از عناصری که گمان می‌رود به گروه وفاق عرب دارند در نظر دارند برای ایجاد نفوذ و حاکمیت بیشتر در منطقه از برخی شهرهای این استان کاندیدا گردند و در صورت تأیید، در انتخابات فعالانه شرکت نمایند.

همانگونه که در شماره گذشته "اکثریت" گزارش دادیم، در روز چهارشنبه ۱۲ اسفند (۲ مارس) دور جدید مذاکرات غیر مستقیم افغانستان و پاکستان در ژنو آغاز شد. خبرگزاری افغانی باختی در تفسیری پیرامون این مذاکرات نوشت این دور مذاکرات می تواند آخرین دور آن باشد.

پیش از آغاز این دور از گفتگوها، پیرامون یک سلسله مسائل میان دو طرف توافق حاصل شده بود، از آن جمله قراردادی میان افغانستان و پاکستان درباره عدم دخالت در امور داخلی دو کشور، قراردادی درباره بازگشت آوارگان افغانی در پاکستان به میهن خود، تضمین های بین المللی برای عدم مداخله در امور داخلی افغانستان، سندی درباره به هم پیوستگی همه عناصر راه حل سیاسی و معاهده ای درباره ایجاد یک مکانیزم کنترل، تنها مسئله ای که تا پیش از دوم مارس درباره آن توافق نشده بود، زمان بندی خروج نیروهای شوروی از افغانستان بود. در مورد این مسئله نیز خبرگزاری ها گزارش دادند بلافاصله پس از آغاز دور جدید گفتگوها، طرفین توافق کرده اند خروج نیروهای شوروی ظرف ۹ ماه انجام گیرد.

بدین ترتیب، ظاهراً هیچ مسئله ای که مانع قراردادهای در ژنو باشد، باقی نمی ماند. پس چرا این قراردادهای تاکنون امضا نشده اند؟

حکومت پاکستان هر بار که دو طرف در مذاکرات ژنو به توافقی قابل قبول طرفین نزدیک شده اند، یا شرایط جدیدی برای امضای معاهده قرار داده و یا موافقت های به عمل آمده خود را پس گرفته است. این بار

سرکردگان رژیم خمینی از جمله خامنه ای، موسوی ولایتی دیدار کرد. وی گفت در طول زمانی که نیروهای شوروی از افغانستان خارج می شوند یک دولت "افتقالی" باید جای دولت فعلی را بگیرد. مقامات رژیم

شوروی و فراهم آمدن امکان بازگشت آوارگان افغانی به میهنشان، سرکردگان ضد انقلاب افغانستان نسبت به او دست دادن پایگاه و نفوذی که در میان آوارگان دارند، اختلاف میان آنها پیرامون چگونگی واکنش در قبال تحولات، دامن زده است.

یکی از نمودهای برجسته این اختلافات جدانش دارودسته سبقت الله مجددی از ائتلاف ۷ گانه باندهای ضد انقلابی بود. پیش بینی می شود که قریباً این ائتلاف اژم به باشد.

موضع مشترک اتحاد شوروی و افغانستان در قبال انواع و اقسام شرطها و پیش شرطهایی که پاکستان و حامیانش در آمریکا و جمهوری اسلامی مطرح می کنند، این است که بازگشت نیروهای شوروی و پایان دادن به آوارگی مردم افغان نباید به آینده تحولات سیاسی داخلی این کشور موقوف شود، بلکه آنچه موضوع مذاکرات افغانستان با کشورهای خارجی است، عبارت است از پایان دادن به مداخله خارجی در امور افغانستان و بازگشت نیروهای شوروی و نیز مهاجران افغانی. چگونگی تشکیل دولت ائتلافی و ادامه روند آشتی ملی در افغانستان، امری است که مفسراً به مردم افغانستان مربوط است.

کارشکنی پاکستان و جمهوری اسلامی در عادی سازی اوضاع در افغانستان

در این دیدارها بر هدف خود مبنی بر به حکومت رساندن اشرار ضد انقلابی تاکید کردند.

همزمان با انجام مذاکرات ژنو نیز برهان الدین ربانی سرکرده جمعیت اسلامی، یکی از مفت گروه ائتلاف پیشاور، به ایران سفر کرد. وی از جمله ملاقاتی با مفتخری ولیعهد خمینی داشت. از سخنان مفتخری خطاب به ربانی که محور آن اختلافات درون صفوف ضد انقلابیون افغانی بود، چنین برمی آمد که با نزدیک شدن موعد خروج نیروهای

نیز در آستانه آغاز مذاکرات ژنو، فاکتور مقامات پاکستانی شرایط و "نگرانی" های جدیدی مطرح کردند. از جمله، ضیالخی خواهان تشکیل "دولت ائتلافی" در افغانستان با شرکت ائتلاف مفت گاشه گروه های ضد انقلابی افغانی، آن هم پیش از امضای قراردادی در ژنو شد. جمهوری اسلامی نیز در این میان، نقش آتش بیار معرکه را به خوبی ایفا کرد. عبدالستار قائم مقام وزیر خارجه پاکستان در روزهای نخست اسفندماه به تهران رفت و با

بودیتی نیز تایید کرده و اعلام نموده بود که اجلاس در سطح معاونین و ژنرال ها برگزار خواهد شد.

بنا به اظهارات المسکاری معاون دبیر کل شورای همکاری خلیج، روز سه شنبه ۲۵ اسفند اجلاس شورا در ریاض برگزار می شود. در این جلسه نتایج کوشش های بین المللی برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ مورد بررسی قرار می گیرد.

سفر نخست وزیر پاکستان به ایران

"محمد خان یحیی" نخست وزیر پاکستان ماه آینده از جمهوری اسلامی ایران بازدید خواهد کرد. تاریخ دقیق این سفر هنوز اعلام نشده است. در این سفر یک هیات بلند پایه پاکستانی، نخست وزیر این کشور را همراهی خواهد کرد. به گفته مسئولین وزارت خارجه پاکستان سفر چوتنم به تهران به دعوت میر حسین موسوی صورت می گیرد.

موسوی دو هفته پیش در تهران میزبان اوزال نخست وزیر ترکیه بود. بنا به اخباری که قبلاً در مطبوعات دولتی انتشار یافته بود، قرار بود در پی دیدار اوزال از تهران، ضیالخی وارد تهران شود. اگر چه از دستور مذاکرات مقامات اسلام آباد با مسئولین جمهوری اسلامی هنوز مطالبی گزارش نشده، اما شواهد حاکی است که گفتگوهای افغانستان و پاکستان موضوع این در قبال مذاکرات ژنو دستور بحث دیدار نخست وزیر این دو کشور باشد.

سپل در حمید به جنوبیستان

به شمار تلفات احتمالی سپل اشاره نشده است، اما آمده است که جاری شدن سپل به بی خافان شدن سدها من انجامید.

در روز سه شنبه ۱۸ اسفندماه رادیوی رژیم اعلام کرد بر اثر بارندگی شدید در روستاهای حمیدیه جنوبیستان سپل جاری شده است. در این گزارش،



عکس فوق، سه روز پیش از آغاز دور جدید جنگ شهرها، از دسام جمعیت در فضای بارانی تهران را در مقابل یکی از مراکز فروش میوه عیدی نشان می دهد.

اکتوبر کدام یک داغ توی بی را در دل دارند که در تهاجم موشکها بر خاک افتاده است؟ کدام یک خود بر خاک افتادند؟

جشن‌های گرامیداشت ۱۹ بهمن عرصه پرشکوه اعلام همبستگی با رزم و عزم فدائیان خلق

سوئد

در تاریخ ۲۴ بهمن جشن مقدمین سالگرد بنیانگذاری سازمان در شهر استکهلم و در میان استقبال بیش از ۶۰۰ تن از هموطنان ماهرکز ارگردید. احزاب برادر و ساوومان‌های مترقی ضمن اعزام نمایندگان خود همبستگی مبارزاتی خویش را با رزم فداییان خلق ابراز داشتند.

برنامه‌های هنری این جشن که شامل موسیقی سنتی ایرانی، موسیقی آمریکای لاتین، موسیقی سوئدی، رقص لری و... بودند و در فواصل قرائت فرازهای سیاسی اجرا می‌شدند، موجی از احساسات میهنی و انترناسیونالیستی به راه انداختند.

از برنامه‌های قابل توجه امسال انجام نمایش با "کل" سازمان بود که توجه همه تماشاگران را به خود جلب کرد. نمایش شکفتن این کل به همراه موزیک مناسب بتدریج از حالت غنچه

آغاز و با باز شدن کامل پایان یافت. علاوه بر استکهلم در شهرهای کونته‌رک و امونیز جشن‌های باشکوهی برگزار گردید که مورد استقبال واقع شد. حزب کمونیست‌های چپ سوئد، حزب کارگری کمونیست و نیز احزاب کمونیست ترکیه، پاکستان، شیلی، عراق، بولیوی و پاراگوئه و همچنین حزب سوسیالیست شیلی، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و ده‌ها حزب و ساوومان مترقی دیگر در سوئد، برای جشن برگزار داشت ۱۹ بهمن در استکهلم پیام ارسال کردند.

حضور بیش از بیست ایرانیان در جشن‌های بنیانگذاری سازمان در شهرهای سوئد جلوه‌های غرور آفرینی از همبستگی ایرانیان با رزم فداییان خلق را به نمایش نهاد.

آمریکا

گردید نیز مقدمین سالگشت بنیادگذاران، سازمان فدائیان را گرامی داشته با رزم فدائیان در راه صلح و آزادی، اعلام همبستگی کردند.

لس آنجلس

مقدمین سالگرد تولد فدائیان خلق در روز اول اسفند بر این با ۲۰ فوریه در شهر لس آنجلس جشن گرفته شد. این جشن شامل بخش‌های سیاسی و هنری بود.

قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

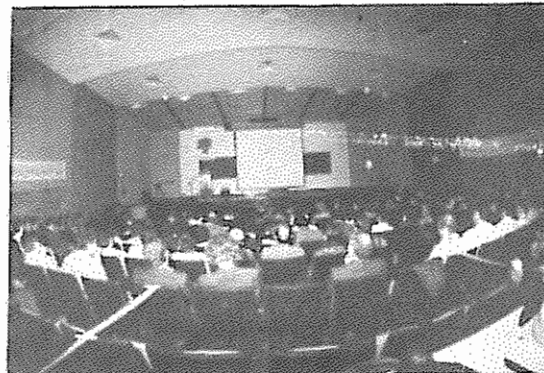
اسپانیا

فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اسپانیا آغاز هجدهمین سال زندگی انقلابی سازمان خود را امسال در محل انجمن فرهنگی کوبا - اسپانیا، نمایندکان احزاب برادر، سازمانها و جمعیت‌های دمکراتیک و شماری از شخصیت‌های ترقیخواه اسپانیا جشن گرفتند.

برنامه جشن، شامل قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان خطاب به اعضا و هواداران سازمان و نیز سخنرانی "کارلوس پائوس" فیلسوف و شخصیت برجسته و ترقی خواه اسپانیا، پیام‌های شادباش حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلقهای اسپانیا و شادباش نمایندگان نیروهای انقلابی و صلحدوست از فلسطین و شیلی بود. از فلسطین هیات نمایندگی ساف و از شیلی نمایندگان جبهش چپ انقلابی (میر) در جشن حضور داشتند.

(اکثریت)، سخنرانی درباره مقاومت زندانیان سیاسی ایران در اسارتگاه‌های رژیم خمینی، نمایش یک فیلم ویدئویی تحت نام نقش حقوق بشر در ایران، اجرای آواز "یادبود" و نمایش فیلم "چند جمله ساده" اثر رضا علامه‌زاده، بخش‌های مختلف این جشن بودند که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

جشن سالگرد بنیانگذاری سازمان در لس آنجلس که همبستگی با زندانیان سیاسی از محورها، اصلی آن بود، در فضایی سرشار از پیوندهای مبارزاتی، پایان یافت.



ایتالیا

بعدالمر روز شنبه اول اسفند (۲۰ فوریه) با حضور صدها تن از ایرانیان مقیم رم و میهمانان خارجی مراسم گرامی داشت مقدمین سالگرد بنیانگذاری، سازمان، در شهر رم برگزار شد.

قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان خطاب به اعضا و هواداران، قرائت چند پیام از مجموعه پیامهای ارسال توسط احزاب و سازمانهای دوست، اجرای تئاتر "صلیب گچی" اثر برتولت برشت و خواندن یک تحلیل سیاسی درباره ایران از جمله برنامه‌های این مراسم بودند که بخش‌های مختلفی از آنرا به خود اختصاص دادند. فداسیون جوانان کمونیست ایتالیا از جمله سازمانهایی بود که پیام آن توسط "لرچاتوکی" عضو هیات اجرایی کشور خوانده شد. در ابتدا، پیام چنین آمده است.

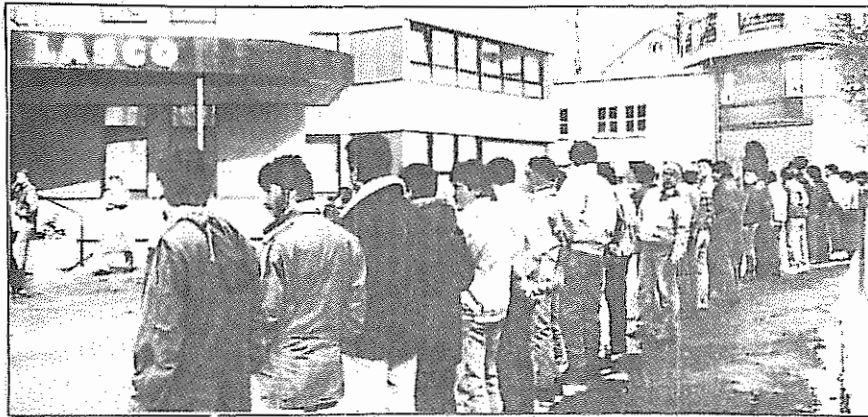
"رفقای عزیز بمناسبت مقدمین سالگرد بنیانگذاری، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ما میل از طرف فداسیون جوانان کمونیست ایتالیا و ۵۰ هزار کمونیست جوان گرمترین و برادرانه‌ترین همبستگی مبارزاتی خود را با شما اعلام نمائیم."

در بخش دیگری از این پیام پس از اشاره به جنگ ایران و عراق و بیان اینکه "ما از تلاشهای شما جهت پایان یافتن جنگ خونین، بی‌موده و برادر کشی ایران و عراق واقفیم و آنرا ارج می‌نهیم" نقش کشورهای امپریالیستی منجمله ایتالیا در تجارت اسلحه با ایران اقشا و محکوم شده است.

حزب کمونیست ایتالیا در پیامی که به مناسبت سالگرد بنیانگذاری سازمان ارسال داشته قید کرده است.

"بار دیگر احترام و همبستگی کمونیستهای ایتالیا را نسبت به همه کسانی که همانند شما برای تحقق دمکراسی در کشورتان مبارزه می‌کنند مورد تأکید قرار می‌دهیم... به‌شما نسبت به تلاش‌های مستمر حزب کمونیست ایتالیا به منظور اینکه برای خلقهای ایران و عراق آزادی و صلح تضمین گردد، اطمینان خاطر می‌دهیم... حزب کمونیست ایتالیا"

تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج از کشور علیه موشک باران شهرها



موشک باران روزمه شهرها، میهنمان که حاصل جنگ افر و زی خمینی و ددمنشی صدام حسین بود، اعتراض سراسری موطنانمان در خارج از کشور را برانگیخت. در بسیاری از شهرهای اروپا، غربی و نیز در آمریکا، ایرانیان مقیم این کشورها تظاهراتی به این مناسبت بر پا کردند.

آلمان فدرال

* در روز شنبه ۱۵ اسفند (۵ مارس) شهرهای کلن و بن آلمان فدرال شاهد تظاهرات اعتراضی جمعی از ایرانیان صلح دوست و ترقی خواه مقیم این کشور بر علیه حمله موشکی به شهرهای ایران و عراق و ادامه جنگ بودند. این تظاهرات به دعوت نیروهای صلح دوست ایرانی صورت گرفت. شرکت کنندگان در تظاهرات خواهان توقف فوری جنگ شهرها و اجراء قطعنامه ۵۹۸ شدند.

در روز جمعه ۲۱ اسفند (۱۱ مارس) در برابر سفارت جمهوری اسلامی در بن تظاهراتی بر علیه جنگ شهرها برپا شد. این تظاهرات به دعوت "نیروهای صلح دوست ایرانی مقیم آلمان فدرال" برگزار گردید. در تظاهرات بن، صدام تن شرکت جستند. فریادهای "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر جنگ"، "زنده باد صلح و آزادی"، "موشک باران شهرها را قطع کنید" و "قطع صدور اسلحه به ایران و عراق" درضا غلغله افکن شده بود. پلیس آلمان فدرال در برابر این تظاهرات دست به ماقه گراشی و کارشکنی زد. از جمله افراد پلیس پس از مراجعه مسئولان سفارت، از برگزار کنندگان تظاهرات می خواستند شعار "مرگ بر خمینی" داده نشود. این نقض صریح آزادیها، سیاسی

اتریش

کمیته دفاع از صلح و دموکراسی در ایران و عراق که هواداران نیروهای ترقی خواه و صلح دوست ایرانی و عراقی در اتریش در آن حضور دارند، برای اعتراض به ادامه جنگ و موشک باران شهرها تظاهرات ایستاده، درم کز شهر وین در روز ۱۸ اسفند (۸ مارس) سازمان دادند. این تظاهرات مورد استقبال مردم وین قرار گرفت و این نکته بخصوص جلب توجه می گردید که صلح دوستان ایرانی و عراقی در کنار هم، بر علیه دورژیم چنانیکار در هر دو کشور دست به تظاهرات زده بودند.

سوئد

شهر "اوپربری سوئد" در روز شنبه ۱۵ اسفند (۵ مارس) شاهد گردمایی دهها نفر از ایرانیان مقیم این شهر در میدان مرکزی، اوپربری بود. این تظاهرات ایستاده با خواست اجراء قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، خروج کشتیهای نظامی خارجی از خلیج فارس و تحریم جهانی تسلیحاتی علیه رژیم های ایران و عراق برگزار شد.

دانمارک

در روز چهارشنبه ۹ مارس (۱۹ اسفند) پیش از ۲۵۰ تن از ایرانیان و عراقی های مقیم دانمارک و نیز دانمارکی های صلح دوست، به دعوت ایرانیان صلح دوست مقیم این کشور دریک تظاهرات ضدجنگ در کپنهاگ شرکت کردند. تظاهرات از میدان شهرداری، درم کز کپنهاگ آغاز شد و با راهپیمایی به سوی دفتر هواپیمایی عراق و سفارت جمهوری اسلامی ادامه یافت. تظاهر کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی به سه زبان فارسی، عربی و دانمارکی شعارهایی بر علیه جنگ و برای خاتمه فوری جنگ شهرها می دادند. شعارهای مرگ بر خمینی، مرگ بر صدام، مرگ بر آمریکا، صلح - صلح آزادی، صلح - صلح - استقلال، زندانی سیاسی آزاد باید گردد در طول مسیر راهپیمایی شنیده می شد. در قطعنامه راهپیمایی، قطع فوری جنگ شهرها، اجراء قطعنامه ۵۹۸ و قطع صدور اسلحه به ایران و عراق خواسته شده است.



کمونیست یونان - ایتالیا، هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین در ایتالیا، فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا - بلونیای انجمن ملی پارتنر ایتالیا - ایتالیا - بلونیای... شخصیت هایی چون "اوگوتیره" شهردار سابق رم و "ووسکوپیچ" شهردار وال پارائیزو شیلی نیز برای این مراسم پیام ارسال کرده بودند. این مراسم با اجراء برنامه های هنری توسط گروه رقص لر و رقص یونانی و نمایش اسلاید به پایان رسید.

در پایان پیام بخوبی نوشته است: "با آرزوی موفقیت برای شما در سالگرد ساومافتان بهنام حزب کمونیست ایتالیا به شادرودمی فرستیم."

اسامی دیگر احزاب و سازمانهایی که بدین مناسبت پیام ارسال کرده اند عبارتست از: سندیکای عمومی ایتالیایی کار کمیته حزبی حزب دمکراتیک خاکی افغانستان - ایتالیا، حزب توده - ایتالیا، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - ایتالیا، حزب

جنگ در سال ۶۶: درماندگی در فاز بین‌المللی

تاکتیک‌های دشمن، ما به عدم الفتح‌های متعدد رسیدیم. (کپی‌ها ۱۸ آبان) کربلاهای ۸ و ۹ فتح ۶ و نصر ۳ از جمله این "عدم الفتح‌ها" در سال ۶۶ بودند. هیچ یک ره به جایی نبردند و حتی آفت‌درفیژ دامنه فدائیت که برای رژیم خوراک تبلیغاتی فراهم کنند.

رژیم برای غلبه بر درماندگی خود - در حالی که فشار بین‌المللی بر ابعاد آن افزوده بود - به یک بسیج تازه رو آورد. در اواخر مهر ماه "شورای عالی پشتیبانی جنگ" به چهاران فامه شوش که برای تهیه گوشت دم‌توب و امکانات مالی وقتی و نظامی لازم برای پیشبرد جنگ و به قول خودشان "عده وعده ضرور" برای تداوم بخشیدن به جنبانیکاری‌های جنگی، به "اوامر و ارشادات" خمینی نیازمندند. خمینی در پاسخ فرمان داد که بسیج صورت گیرد، بدان "عمل شود و کوتاهی فکردد". به دنبال فتوای خمینی، "شورای عالی پشتیبانی جنگ" یک "دستورالعمل ۱۰ ماده‌ای" صادر کرد. در این دستورالعمل گفته شد که همه باید به جبهه بروند و اگر کسی قادر به رفتن به جبهه نباشد، باید عهده‌دار مخارج یک نظامی باشد. بسیج جنگی تازه، بسیج ملت بود، امتزاج چماق با افلاس و سرکوب با فلاکت بود. این بسیج، مرحله دیگری از جنگ علیه مردم بود. در بعد خارجی مدف از اعلام بسیج تمام عیار، تلاش برای بالا بردن نرخ چانه‌زنی‌های رژیم بود.

پس از اعلام بسیج جنگی تازه، رژیم این‌گونه وانمود می‌کرد که هر آن آمادگی دارد، در جبهه مشرف به بصره دست به حمله تازه‌ای بزند. انتقار برای حمله تازه، در اواخر پاییز و در ماه‌های وستان بالا گرفت. اما "کربلاها" تکرار نشدند، نه از آثرو که رژیم نخواست، از آثرو که نتوانست. این همه نشان داد که درماندگی دیگر به یک کیفیت تبدیل شده است و باید حکم عزیمتگاه هر تحلیلی در مورد روندهای تازه در زمینه جنگ را بپایند.

عامل فشار بین‌المللی

بالا گرفتن تنش در خلیج فارس، بر توجیه مجامع بین‌المللی به جنگ ایران و عراق افزود. جنگ دیگر وارد فاز بین‌المللی شده بود و منطقه را ملتهب کرده بود.

عرصه راه شدت بر رژیم تنگ کرد. جنگ از حالت "جنگ فراموش شده" بیرون درآمد. شورای امنیت، متحدالرای قطعنامه ۵۹۸ را صادر کرد و سازمان ملل تلاشهای جدی و موثری را برای اجرای این قطعنامه آغاز کرد. از سوی دیگر خلیج فارس و دریای عمان، به عرصه جولان رژیم‌های آمریکایی و متحدین

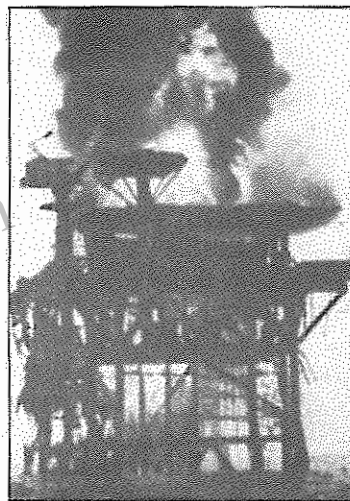
صورت گرفت که هنوز ماجرایی سفر مک‌فارلن به تهران رو نشده بود. رژیم پارتی‌های کلان اسلحه دریافت کرده بود و به گفته رفسنجانی "جو سیاسی بین‌المللی" را نیز به نفع خود تشخیص می‌داد. بنابر این درحالات دی‌ماه ۶۵ به زعم رژیم اوضاع از هر نظر بر وفق مراد بود و به همین خاطر است که این عملیات را باید به مثابه

مالی دیگر به سرآمد. دفتر یک سال بسته شد، دفتر، که جنگ بر صفحه صفحه آن، مهر خود را کوبیده است. در روزهای پایانی سال، باز عفریت جنگ تغییر برکشید و شهرها آماج مرگ و ویرانی قرار گرفت. روزهای آخر سال، شاهد هشتمین دور جنگ شهرها بود. طر فین ۱۲۵ موشک شلیک کرد. دقت سبیت راه به اوچ رساندند و دریایان باق وعده کشتارهای تازه‌ای دادند. سال ۶۵ نیز تقریباً به همین‌گونه پایان یافت. آیا هر سال، روی چرخه ثابتی حرکت می‌کند؟ آیا سال ۶۶ همان‌گونه بود که سال ۶۵؟

ماشینی رفسنجانی در اولین نماز جمعه سال ۶۶، تازه را طبق معمول، "سال پیروزی"، نام نهاد و اعلام



در اسارت ملوانان آمریکایی پس از حمله آنان به کشتی ایران اجبر



حمله آمریکا به سکوی نفتی ایران

فناوبی آن تبدیل شد. فشار بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ دم‌افزون شد. رژیم کوشید دست به مانورهای بزند تا ائتلاف وقت، او دامغه و شدت این فشار بکاهد. این مانورها تاثیراتی داشتند اما در اساس ره به جایی نبردند.

افزایش فشار بین‌المللی و تبدیل شدن آن به یک کیفیت، مشخصه دوم سال ۶۶ از زاویه سرنوشت جنگ است.

درماندگی رژیم

چندی پیش معاون سیاسی سپاه پاسداران، درماندگی رژیم در پیش‌برد جنگ را چنین توصیف کرد، "امروز دیگر زمان فتح‌المبین و فتح خرمشهر نیست که با گردآوری یک سری از نیروها، فتی بیافرینیم. بعد از فتح خرمشهر، با تعویض

یک شاخص در نظر گرفت و دوره پس از آن را، که در سال ۶۶ انکشاف یافت، دوره پس از کربلاها نام نهاد. رژیم در سال ۶۶ هر چه تلاش کرد متواضعت شرایب بهینه دوره کربلاها را از نو فراهم کند. بیشترین بسیج نیرو به جایی نبرد، رکورد کربلاهای ۵ و ۶ دور از دسترس ماندند و وعده فتح کربلا پیش از هر هنگام دیگری حکم یک سراب را یافت. وقتی که حد موفقیت دیروزین، حد موفقیت امروزین نیز باشد، می‌توان از درجا زدن سخن گفت. اما وقتی واقعیت دیگر آنچه که واقعیت دارد درماندگی است. درماندگی یک مشخصه اساسی استراتژی جنگی رژیم در سال ۶۶ بود.

از آغاز تابستان، جنگ وارد فاز بین‌المللی شد. فشار بین‌المللی - که همه مولفه‌های آن از یک ماهیت دارای یک جهت نبودند و نیستند -

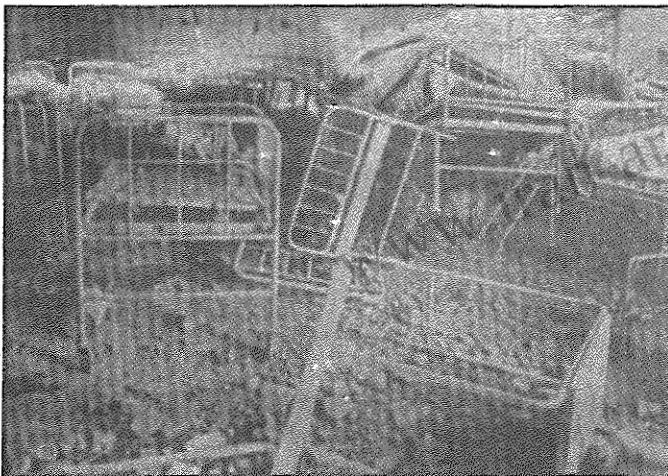
کرد، "روند جنگ اامال تعیین می‌شود. اامال آن چنان سپاهی به میدان خواهد آمد که ثمرات پیروزی‌های سال گذشته را بگیرد و سرنوشت جنگ را به‌بره‌برداری کند." خمینی خود در آغاز سال گفته بود "جنگ ممکن نیست پایان پذیرد."

دو مشخصه عمده سال ۶۶

مهمترین آرزوی رژیم در سال ۶۶ این بود که بتواند کربلاهای سال ۶۵ را تکرار کند. کربلاهای ۵ و ۶ و عملیات مکمل آنها پس از پیام اول فروردین ۶۵ خمینی که در آن گفته شده بود "همه بکشد جبهه‌ها را" بر مبنای بسیج حداکثر نیرو به صورت راه‌اندازی لشکری "محمد و مهدی" صورت گرفت. این حملات حساس‌ترین نقطه جبهه را نشان داده بودند. نقطه‌ای که مشرف به بصره است. طراحی عملیات کربلا در زمانی

فضا پراکنده است و فلز ماشین جنگی را می‌شورد و ژنک زده می‌کند.

در سال ۶۶ در ماندگی به "کیفیت" بدل شد. درماندگی اکنون جنبه عمده‌ای از همان واقعیتی را تشکیل می‌دهد که یک وجه اساسی آن جنگ طلبی رژیم است. در سال ۶۶، هم درماندگی نمود کیفی یافت و هم فشار بین‌المللی. این دو عامل مکمل هم، تشدید کننده و در عین حال مشروط کننده حیطه اثرگذاری هم، به سال ۶۶ کیفیت متغیر اوضاع را پیش می‌دهد و بدان جایگاه ویژه‌ای در تاریخچه شکست‌های جنگ می‌بخشد. سران رژیم اکنون به خود می‌گویند، دریغ از پارسال. در سال تاوه از این شیوه درمانده‌تر خواهند شد. سال ۶۷ شدت یافتن تاثیر مجموعه آن عواملی است که به سال ۶۶ خودویژگی دادند. سال ۶۷ از سال به سر آمده شیوه‌تر خواهد بود.



دو صفحه از دور هشتم جنگ شهرها در هفته‌های پایانی سال ۶۶. در این دور از جنگ شهرها جمعی و صدام حسین اوج تاوه‌ای از سباحت را به نمایش نهاده‌اند. عکس بالا بیمارستان ویران شده عیون، زاده در تهران است.



سرکشتگی رژیم بود.

جایگاه سال ۶۶ در تاریخچه شکست‌های جنگ

در سال ۶۶ فلاکت اقتصادی جمهوری اسلامی ابعادی به مراتب فراتر از سالهای پیش یافت. افت قیمت نفت، افت قیمت دلار، جنگ نفت‌کشها، حملات مداوم عراق به پایانه‌های نفتی، و بحران در خلیج که در صدور نفت مشکل ایجاد کرده بود، برداشته فلاکت اقتصادی افزون‌تر و دند تلاش برای پر کردن جبهه‌ها نیز کم‌تر بود. نفرت مردم از جنگ، تبلیغات جنگ طلبانه را بی‌بها می‌ساخت. تئورهای خبری روفاحه‌ها را نمود پدیده‌ها بدافیم، این عامل به چشم نمی‌آمد اما اگر اوضاع به عقب رویم شاهد تاثیر پر دامنه این عامل خواهیم بود. این عامل همچون رطوبتی است که در

جنگ افزوده زد و عملاً یکی از بندهای قطعنامه را زیر پا نهاد.

فاز بین‌المللی در ماندگی

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به شانس فشار بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ بدل شد. رژیم در برابر این قطعنامه سرکشی گرفت. در روزهای اول هر یک از مقامات به یک نوع در برابر آن موضع‌گیری کردند. بالاخره موضع‌گیری‌ها هماهنگ شد و بر روی این فرمول توافق به عمل آمد، "نه می‌پذیریم و نه رد می‌کنیم". البته در داخل و در تبلیغات جنگی "می‌پذیریم" پررنگ‌تر بود و در مجامع بین‌المللی "رد می‌کنیم" اما بالاخره چه؟ سفرهای خاویز پرژدوکویار به تهران و بغداد نتیجه مشخصی به دنبال نداشت. بی‌گفتن مذاکرات در مقر سازمان ملل نیز به نتیجه روشنی منجر نشد. تاکتیک رژیم وقت کشی بود. طرح مقامات حکومتی در برابر قطعنامه ۵۹۸ حاوی این خطوط بود: اصرار بر روی "تعیین متجاوز" به عنوان گام نخست و همراه با آن الحاق طلبی و فراموشی خوامی. اما رژیم از طرح این خطوط فراتر نرفت. همواره کوشید کاری کند که مذاکرات پیش نرود و وقت کشی شود. گاه رژیم حتی تا این حد پیش رفت - از جمله در هفته گذشته - که بگوید قطعنامه ۵۹۸ را می‌پذیرد اما روی تقدم و تاخر بندهای آن حرف دارد.

در سال ۶۶ فشار بین‌المللی و درماندگی رژیم در پیشبرد جنگ، با یکدیگر امتزاج یافتند. درماندگی حد تاثیر فشار بین‌المللی را بالا برد و فشار بین‌المللی بر دامنه درماندگی رژیم افزود. سال ۶۶، سال درماندگی در فاز بین‌المللی، و فاز بین‌المللی

دولت ریگان برای این که ماجرای "ایران گیت" به دست فراموشی سپرده شود، برای این که بتواند اعتماد کشورهای عربی خلیج را، که ماجرای سفر مک‌فارلین بدان خدشه وارد کرده بود، از او جلب کند، به مداخله مستقیم در خلیج فارس رو آورد. جنگ نفت کشها و تقاضای کمک از سوی کویت، بهانه این مداخله بود. بر فراز کشتی‌های کوییتی برچم فنار و ستاره به اهتزاز درآمد برای اسکورت آنها تعداد کثیری کشتی جنگی به منطقه گسیل شدند. منطقه حالت انفجاری یافت و در آن بارها آژیر قرمز به صدا درآمد. آمریکا در چندین مورد از جمهوری اسلامی تهر چشم گرفت و جمهوری اسلامی با تشنج فزاینده سیاست آمریکا مبنی بر موجه جلوه دادن حضور نظامی وسیع خود در منطقه خدمت کرد.

درگیری رژیم با کویت و عربستان سعودی، نیز بالا گرفت. اتحادیه عرب در اجلاسهای متعدد فشار بر جمهوری اسلامی را برای پایان دادن به جنگ شدت بخشید. هر رو که کلاشت بر انزوای بین‌المللی رژیم افزوده شد.

از اوایل سال، شورای امنیت سازمان ملل، بررسی جنگ ایران و عراق را در دستور کار خود قرار داد. هر چه بر بعد منطقه‌ای و بین‌المللی جنگ افزوده شد، کوشش برای پایان دادن به جنگ نیز فزونی گرفت. روندی آغاز شد که بالاخره منجر به صدور قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت گردید. در این قطعنامه که در اجلاس ۲۹ تیرماه شورای امنیت به اتفاق آرا به تصویب رسید از ایران و عراق خواسته شد که فوراً به عملیات جنگی خاتمه دهند، تبادل آتش را متوقف کنند و نیروهای مسلح خود را به پشت مرزهای بین‌المللی بازگردانند. در این قطعنامه به دبیرکل سازمان ملل متحد، مأموریت داده شد که ضمن مذاکره با ایران و عراق، به بررسی امکانات جهت برکباری یک مرجع مستقل برای رسیدگی به امر مسئولیت آغاز جنگ پرداخته و شورای امنیت را در جریان فعالیتهای خود در زمینه مذاکره با طرفین درگیر، بگمارد.

قطعنامه ۵۹۸ از همه کشورهای خواسته بود از هر گونه اقدامی که به گسترش و شدت گرفتن جنگ بیانجامد، اجتناب ورزند. آمریکاکه به این قطعنامه رای مثبت داده بود، بلافاصله پس از صدور آن، روزمغای جنگی خود را به منطقه فرستاد. دست به تحرکات

درد بر زندانیان سیاسی، حماسه آفرینان اسارتگاههای ارتجاع

تلاش مأمورین برای سرکوب اعتراض زندانیان و محدودتر ساختن آنان به درگیری شدیدی بین زندانیان و پاسداران انجامید.

بلافاصله پس از وقوع اعتصاب غذا و اعتراض در زندان‌های اوین و گوهردشت، سازمان مأموران را در سراسر جهان منتشر ساخت. این امر واکنش نوری نیروهای مترقی ایرانی و خارجی را در قبال حشمت‌کاری‌های رژیم فقها در زندان‌ها برانگیخت. به دعوت فدائیان خلق اقدامات متعدد افشاگرانه که در بسیاری از کشورها با اعتصاب غذا همراه بود، صورت پذیرفت. لندن، استکهلم، کلن، وین و ده‌ها شهر دیگر جهان شاهد اعتصاب غذا در همبستگی با زندانیان اعتصابی زندان اوین بود. در شهر کلن آلمان فدرال، اعتصاب غذا کنندگان اتمام حرکت خود را محوطه پایان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اوین کردند. تعداد پیام‌های همبستگی احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌هایی که با زندانیان سیاسی ایران و اعتصاب غذای آنان اعلام همبستگی کردند از هزار و نوبتی گرفت.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در بدهای ۱، ۲، ۳ زندان اوین در آغاز هفته دوم مردادماه پایان یافت اکثر زندانیانی که از بدهای خود رها شده بودند به محل سابق خود برگردانده شدند.

حرکات اعتراضی بزرگ زندانیان سیاسی در تیر و مرداد اختصاص به شکنجه‌گاه‌های اصلی رژیم، اوین و گوهردشت و قتل حصار شد. زندان‌های شهرستان‌ها نیز شاهد رژیم فرودان اسیر خلق بود. در زندان رودر ملاقات زندانیان با خانواده‌شان به مدت یک ماه قطع شد تا شرایط برای سرکوب در تارتاریکی مهیا گردد.

* هنوز چند روزی از پایان اعتصاب بزرگ زندانیان شکنجه‌گاه اوین نگذشته بود که اسیران بده ۴ این زندان دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذا از روز ۱۷ مرداد آغاز شد. در روز ۱۹ مرداد اجتماع خانواده‌های زندانیان زندان گوهردشت مورد هجوم پاسداران واقع شد و گروهی از آنان دستگیر شدند. به هنگام اعلام پایان پیروزمند اعتصاب غذای بزرگ زندان اوین مادر اکثريت شماره ۱۶۸ اعلام خطر کردیم که، "خطر اعدام و شکنجه‌های

شکل گرفت. مسئولین شکنجه‌گاه اوین با آغاز ماه رمضان (ششم اردیبهشت) برای واداشتن همه زندانیان به روزه گرفتن و اعمال فشار بر آنها، ضربه تحویل غذا به زندانیان را تغییر دادند. بدین ترتیب که در شبانه‌روزی‌ها یک فوبت غذا به زندانیان داده شد. مسئولین زندان بر این تصور بودند که زندانیان به روزه گرفتن اجباری تن خواهند داد. به دنبال آغاز اعتصاب، زندانیان

روزهای بر

رزم پرشکوه زندانیان سیاسی در سال گذشته

بخاطر هراس اواختشار خبر آن ملاقات زندانیان را با خانواده‌هایشان قطع کردند. اما هیچکدام از ترفندهای رژیم همچون قتل ملاقات، انتقال به سلول‌های انفرادی و زندان‌های دیگر و اعمال انواع شکنجه‌های جسمی و روانی نتوانست بر اراده زندانیان فائق آید. زندانیان مجبور به عقب نشینی شدند.

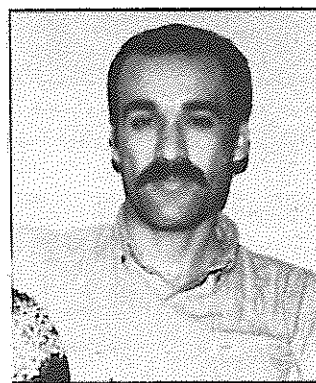
تیر و مرداد، اعتصاب و حرکتهای سراسری زندانیان سیاسی

حرکت، عظیم زندانیان سیاسی در سال گذشته در تیرماه آغاز گشت بدهای ۲، ۳، ۴ زندان اوین از روز ۲۰ تیر دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب غذا به دنبال نقل و انتقال زندانیان سیاسی صورت پذیرفت. ۴۰ نفر از زندانیان را به بدهای انفرادی انتقال دادند. خطر اعدام این ۴۰ نفر بطور جدی برای زندانیان مطرح شد. خواسته‌های زندانیان را بازرگاندن زندانیان به جای قبلی خود، کاهش کلی تعداد زندانیان هر بده و بهبود شرایط و دسترسی تشکیل می‌داد. از روز ۲۵ تیر اعتصاب غذای دلاورانه زندانیان سیاسی زندان اوین به اعتصاب غذای خشک تبدیل شد. در اعتصاب غذای خشک زندانیان اعتصابی از نوشیدن آب نیز خودداری می‌کنند. زندانیان قهرمان اعتصابی در آستانه مرگ قرار گرفتند. در زندان گوهردشت نیز انواع شکنجه‌های جسمی و روانی ایجاد شده توسط مسئولین جنایتکار جمهوری اسلامی، باعث خودسوزی یک زندانی سیاسی شد به دنبال آن اعتراضات شدیدی توسط زندانیان انجام گرفت.

جفایتی فروگذار نکردند. پیش از این واقعه در زندان گوهردشت، عده زیادی از زندانیان شکنجه‌گاه اوین را به بهانه شیوع بیماری، شبه سل که خبر آن همه جا پخش شده بود و بخاطر بروز اعتراضاتی در میان زندانیان به زندان گوهردشت منتقل ساخته بودند. در همان زمان در نشریه اکثريت قید شده بود،

"مقاومت جمعی زندانیان سیاسی پس از اعتصاب غذای دلیرانه

زندانیان اوین در هر ماه سال گذشته مدام اشکال بارزتری یافته است. مقاومت اکنون تنها در شکل پایداری قهرمانانه در برابر شکنجه تجلی نمی‌یابد. مقاومت به سطح جمعی فراوان و همبستگی زندانیان سیاسی در پایداری جمعی در برابر شکنجه گران مدام در حال رشد و اعتلاست. خانواده‌های زندانیان سیاسی نیز با یکدیگر همبسته گردیده‌اند. همزمان با یورش مأموران رژیم به زندانیان گوهردشت خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل زندان دست به تحصن زدند. تحصن خانواده‌ها مورد حمله پاسداران قرار گرفت.



هادی شهید رفیق محمودوکی پور اوساومانکران اصلی حرکات جمعی زندانیان سیاسی

حرکت اعتراضی غیرمعمول زندانیان شکنجه‌گاه اوین که همزمان با اعتراضات زندانیان گوهردشت صورت یافت. بخاطر نحوه توزیع غذا

واژه زندانی سیاسی در میان مردم مطلقین و معنای ویژه‌ای دارد. زندانی سیاسی تجلی رژیم است، امید به آینده است، مظهر انقلاب و خیزش توده‌هاست، پایداری و ایثار زندانی سیاسی، صلابت توده‌ها را مبین است.

برای مبارز راه رهایی خلق، زندانی سیاسی مفهوم وارزشی بسیار فراتر از پاره به گروگان و اسارت گرفته شده پیکر را دارد. خود را در آئینه وجود او باز می‌یابد و عینیت آرمان و خصائل خود را در رژیم و رژیم زندانی سیاسی جلوه گر می‌بیند. مبارزی که ممکن است همین فردا میدان مبارزه‌اش را تحت شکنجه‌گاه و سول زندان بیابد، یگانگی رژیم با مردم زندانی خویش احساس می‌کند.

بر همین اساس دشمن شیون تلقی دیگری از زندانیان سیاسی دارد. دشمن انقلابی اسیر راه به بد می‌کشد، به جوخه اعدام می‌پسارد، پیکر را آماج دمدشاهه‌ترین شکنجه‌ها می‌سازد، تا شعله رژیم و امید به پیروزی را خاموش سازد، پایداری را منکوب کند و هم ایجاد نظم گورستانی خویش را در پهنه جامعه تحقق بخشد.

بدین سان باورنکردنی مبارزه در یکی از سخت‌ترین میدان‌ها، مبارزه‌ای چهره در چهره با دشمنی تیغ برکف و کف برلب، مبارزه‌ای که انقلابی اسیر و جمع زندانیان سیاسی ایجاد هر تعادل جدید به سود زندانیان را با تحمل قربانی و شکنجه بدست می‌آورند، خود به نوعی باورنکردنی رژیم خلق و نوید پیروزی آن است.

در آستانه سال غر به رژیم فرزند خلق در زندان‌های یک سال گذشته نظری می‌افکنیم، رژیمی که در حصار دیوارهای پوشیده از خون دل‌مسته و تغییر شلاق و شلیک گلوله و فریاد کرکننده شکنجه گران جاری است.

اردیبهشت ماه، اوین و گوهردشت

زندانیان سیاسی زندان گوهردشت بخاطر اعتراض به نحوه رفتار شکنجه گران بطور جمعی از رفتن به حیاط زندان برای سرشاری خودداری کردند. مأمورین رژیم که برای کشاندن زندانیان به درون حیاط به ضرب و جرح زندانیان پرداخته بودند در مقابل حرکت یکپارچه زندانیان سیاسی به نیروهای کمکی متوسل شده و در قبال زندانیان از هیچ

سال ۶۶، سال تشدید بحران قدرت در رژیم

بلحا در مهمترین عرصه، عرصه جنگ، اعتراف به درماندگی، بازتاب بسیار اندکی در اظهارات رسمی و علنی مقامات رژیم دارد. امامان سیاسی سپاه پاسداران، در یک سخنرانی که در کیهان ۱۸ آبانماه چاپ شد، با صراحت بیسابقه‌ای اعتراف کرد: "بعد از فتح خرمشهر با تعرض تاکتیک دشمن ما به عدم الفتح متعدد رسیدیم." بن بست جنگ، موضوع مقاله جداگانه‌ای در همین شماره نشریه است، اما در بررسی بحران قدرت در رژیم نیز باید به این درماندگی که ویرانگرترین تاثیر را بر پایه‌های کاخ خلافت جماران، چه به صورت تاثیر مستقیم سیاسی و چه از طریق تشدید فلاکت اقتصادی، گذاشته است، جای ویژه‌ای داد.

بن بست قانون گذاری

بر زمینه‌ای او همین درماندگی است که ورشکستگی در عرصه‌های دیگر، عمل می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی، با گذشت ۹ سال از پیدایش و بیش از ۷ سال از تثبیت و تحکیم همه نهادهای حقوقی و قانونی‌اش، در شرایط مصیبت‌ها و فشارهای روز افزونی که زندگی روزمره مردم را در چنگیره خود گرفته است، در شرایط نارسایی و مخالفت روزمره توده‌ها، هنوز نتوانسته است نظام کاملی او تدابیر و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تدوین کرده، به مرحله اجرا بگذارد. اصطکاک و تقابل مفاصل، رقابت بر سر قدرت میان گروه‌های کوفاکوشتی که در طول سالها، در درون حکومت شکل گرفته و صف‌آرایی کرده‌اند، تاکنون بیش از آن بوده‌اند که اجازه حرکت موثر کل نظام به پیش را بدهند. قاضون‌گذاری در جمهوری اسلامی، دچار توقف و رکود مطلق بوده است. رفسنجانی، رئیس مجلس آخوندی و سرکرده جفاکی که معتقد به حل این بحران و شکستن این بن بست به سود افزایش اختیارات دولت در عرصه اقتصادی است، در دیدار روز ۱۴ خرداد مقامات رژیم با خمینی گفت: "ما نیاز به دخالت و کمک صریح چاق‌بالی داریم... در شرایطی که ما داریم، قیر از شخص چاق‌بالی بقیه در صفحه ۱۲

مادر شماره ۱۴۹ نشریه، آخرین شماره "اکثریت" در سال ۱۳۶۵، نوشتیم بحران رژیم در سال ۱۳۶۶، "با شدت بیشتری جماران را به لرزه در خواهد آورد و رژیم را... زبون‌تر و ناتوان‌تر خواهد ساخت."

اکفون در آستانه پایان سال ۱۳۶۶ قرار گرفته‌ایم. بحران قدرت در رژیم، این سال را به سال زمین لرزه در بارگاه خلافت خمینی تبدیل کرد. عوامل تشدید کفقه جماران، از جمله، بن بست جنگ، فلاکت اقتصادی، فروتن گرفتن نفرت و افشای چار مردم او حکومت فقها و افشای روز افزون بین‌المللی، هر چه بیشتر به اختلافات درون حکومتی دامن زدند. هر چه مشکلات بیشتری بن بست‌ها بارزتر شدند، شدت درگیری‌ها افزایش یافت و ورشکستگی و در کل ماندگی کل نظام، بیشتر نمایان شد. خامنه‌ای، رئیس جمهور خمینی را قطعاً باید از بازندگان یکی از مهمترین دوره‌های جنگ قدرت در رژیم داشت که در ماه‌های دی و بهمن سال ۶۶ به وقوع پیوست. خمینی با سرزنش صریح او، لطمه‌ای جدی به جاه‌طلبی شخصی رئیس جمهور آخوندها زد، پس از توبه و اظهار ندامت خامنه‌ای به افرمان داد که در نماز جمعه، "رفه شبهه کفد". خامنه‌ای در نماز جمعه اسفند، در اجرای این دستور سخفانی ایراد کرد که نمایانگر جوهر تحولاتی است که به فتوای اخیر خلیفه جماران و تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" انجامید. خامنه‌ای گفت: "حضر امام... یک مجموعه کامل ۱۲ نفره را تشکیل دادند که... در هر جایی که مصلحت نظام را تشخیص داد، حکم ولایتی را در آنجا صادر کنند... ما امیدواریم انشا*الله این مجمع مصلحتی بتواند بن بست‌ها را بشکند... در سایه باؤ شدن این بن بست‌ها بسیاری از مشکلاتی که از این ناحیه ممکن است حاصل شده باشد، برطرف شود و این مجمع تشخیص مصلحت یک مرحله جدیدی است در حرکت‌های جمهوری اسلامی." (رسالت ۸ اسفند ۶۶)

آری، حتی در نطق رئیس جمهور رژیم نیز سخن از بن بست است. این بن بست، در همه عرصه‌ها رخ می‌نماید.

تظاهرات قیرمانانه خاشوده‌های زندانیان سیاسی و شعارهای آنان بازتاب نیرومندی در میان مردم یافت.

ششد پاسدار به اجتماع خاشوده‌های زندانیان سیاسی بپوش بردشد بسیج و اعزام چغین لشکری از مزدوران، ابعاد حرکت اعتراضی خاشوده‌های زندانیان سیاسی و هراس رژیم از این اقدام انقلابی را بازتاب می‌دهد. جمعی از تظاهرکنندگان زخمی و بیش از ۵۰ نفر آتش‌دستگیر شدند.

در تمام طول سال گذشته خاشوده‌های انقلابیون اسیر برای حمایت از فرزندان زندانی خویش بارها به حرکتی همچون مراجعه جمعی ویرشود به مقامات و مسئولین رژیم، اجتماع در مقابل دفتر صلیب سرخ بین‌المللی، دفتر سازمان ملل، مجلس شورای اسلامی و در جلوس‌ندان‌ها مبادرت ورزیدند.

در روز ۲۷ آبان بار دیگر دلاوران اسیر در شکنجه‌گاه اوین دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب

افتقاری، زندانیان سیاسی را به شدت تهدید می‌کند. متأسفانه اخبار بعدی وقوع این خطر را گواهی دادند. رفیق محمود زکی‌پور او سازمانگران اصلی حرکات اعتراضی زندانیان سیاسی تیرباران گشت. این بخش از زندگینامه رفیق زکی‌پور مقرر در اکثریت شماره ۱۸۰ جزئی از تاریخ مبارزات زندانیان سیاسی است.

"در اعتصاب غذای بزرگ آبانماه ۶۵ رفیق زکی‌پور نخستین کسی بود که پس از انتقال به سلول انفرادی اعلام اعتصاب غذا کرد و آخرین کسی بود که اعتصاب غذایش در بیمارستان با سرم پایان گرفت. در این زمان ۱۴ کیلو از وزن بدتش را او دست داده بود. مامورین دادستانی در همان بیمارستان رفیق محمود را تحت جویی قرار دادند و تهدید کردند که او را خواهند کشت. رفیق پاسخ خود را در زندان بارامی که در پیش گرفته بود داد. رفیق محمود زکی‌پور در اعتصابات بعدی و از جمله در اعتصاب غذای تابستان اسال همچنان نقش سازمانگر خود را ایفا کرد."



زندانی سیاسی از بند رژیم شاه را می‌کرد. دیر نیست که زندانیان سیاسی حکومت خمینی نیز در آغوش خاشوده و مردم قرار گیرند. جمهوری اسلامی را از سر نوشت نظام سلطنت گریزی نیست.

تظاهرات بزرگ خاشوده‌های زندانیان سیاسی در تهران

روز پنجشنبه ۱۶ شهریور، در آستانه سفر دبیر کل سازمان ملل متحد به تهران جمع کثیری از خاشوده زندانیان سیاسی در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران اجتماع کرده دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات بخاطر افشای جنایات رژیم در زندان‌های کشور، تقویت مبارزه برای حفظ جان زندانیان سیاسی، بهبود شرایط زیستی و روحی آنان از بند صورت پذیرفت. خبر

غذا به مدت ۵ روز ادامه داشت و بخاطر اعتراض به شرایط نامناسب زیستی و تامین پوشاک زمستانی برای مقابله با سرمای اوین به وقوع پیوست.

ماه‌های دی و بهمن سال ۶۶ نیز شاهد حرکات جمعی زندانیان سیاسی در زندان‌های اوین و کوردشت بوده است.

در آستانه سال نو با یاران دربندان تجدید پیمان کنیم، آتشی از رویم خلق را که در سیاهال‌ها زبانه می‌کشد، پاس داریم و با تشدید نبرد علیه دشمن توده‌ها، آن را فروزش بخشیم.

سال ۶۶، سال تشدید بحران قدرت در رژیم
بقیه از صفحه ۱۱

هیچ کس زیر این آسمان وجود ندارد که بتواند مسائل را حل بکند... اگر جناب عالی... مشکلات قاضون گذاری را... حل فرمایید، ما نمی دانیم در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام بدهد." (رادیوی رژیم - ۱۴ خرداد ۶۶)

خمینی که در آن زمان این استغاثه رهنجانی را با جمله "من بفاندارم که امروز صحبت کنم" پاسخ داده بود، هفت ماه بعد، صریحاً چنانچه طرفداران افزایش اختیارات دولت را گرفت، نفوهر "حکم اولیه" اسلامی را در چارچوب اختیارات حکومت دانست و مجمعی در بالای سر مه ارگانها تشکیل داد که عملاً مطلق العنان است و تنها حرف خود خلیفه قادر است حکم آن را लगा کند.

در این فاصله چه چیز تغییر کرد؟ تجربه سالهای پس از انقلاب، نشان می دهد در تحولات درون رژیم، خمینی مدافعه و برقرار کننده آن تعادلی بوده و هست که تداوم حیات حکومت را - لااقل از نظر خود او - تضمین می کند. هر تعادلی در هر لحظه ای، چنین نیست، همانگونه که یک تعادل معین، برای همیشه تعادل تثبیت کننده رژیم باقی نمی ماند. خمینی، این واقعیت را درک و طبق آن عمل کرده است. هم او بود که در اواخر سال ۶۲، حکم داد که حرف، حرف شورای نگهبان است و مجلس نباید چیزی را تصویب کند که قابل تایید شورای نگهبان نباشد. هم او بود که زمانی یعنی صدر را به فرماندهی کل قوا گماشت و زمانی دیگر، او را از همه مفاصبتش راند. هم او بود که باورگان را "فحش و توهین امام زمان" کرد و کمتر از یک سال بعد، زمینه را برای کناره گیری او فراهم آورد.

مصلحت نظام - این ترجیه بخند همه فتنه ها و اظهارات خمینی درباره بحران قدرت در رژیم است. خمینی خود را دوراندیش ترین فرد در حکومت می داند، می گوشت خود را در ماورای گروه بندیها و جناح های رقیب قرار دهد و در هر چاره و مان که لازم بداند، به جناح معینی میدان عمل می دهد.

تا اینجا قاضیه، سال ۶۶ حاوی هیچ عنصر کیفی نوینی در بهر آن رژیم نبود. اما ابعاد تحولات این سال، از سالهای پیش از آن فراتر می رود.

ورشکستگی و لایه فقیه است

یکی از تضادهای درونی اصلی رژیم خمینی، تضاد میان ماهیت قرون وسطایی تز ولایت فقیه از یک سو و سوی دیگر ضروریات رهبری یک جامعه بهران زده سرمایه داری است. طرح اولیه حکومت اسلامی که توسط خمینی در کتاب "ولایت فقیه" ارائه شده است، می گوید فقه اسلامی، نظام حقوقی کاملی است که به همه مسائل جامعه پاسخ می دهد، نیازی به قانون گذاری نیست و حاکم تنها مجری، قوانین فقهی است، پس باید خود فقیه باشد.

فتوهای اخیر خمینی و گره زدن سرنوشت نظام به "مصلحتی" که تشخیص دهنده آن، نه قدرتی آسمانی، بلکه آخوندهایی کاملاً زمینی اند، اعلام ورشکستگی تز ولایت فقیه است. این بار خمینی برای کشودن بن بست، ناچار شده است تلویحاً این تز را به کفار بگذارد، یا به عبارت دقیق تر، "ولایت فقه" را قربانی "ولایت فقیه" کند، در حالی که تاپیش او این فلسفه وجودی دومی، با اولی توضیح داده می شد.

این تحول کیفی که مختص سالی است که گذشت، نمی تواند به پیدایش و رشد تضادهای جدید در رژیم بنیانجامد. به گفته خامنه ای، سران رژیم امیدوارند با تدبیر جدید "بن بست ها بشکند". اما آیا شکستن این بن بست ها به بهای پدید آمده منطقه های بحرانی که از بهران معلول این بن بست ها هم شدیدتر خواهد بود، تمام نخواهد شد؟ هیچ کس، حتی خود خمینی هم قادر نیست پاسخ متقی به این پرسش را تضمین کند. مهمترین پرسش بهران را این است، اگر "شرع" مقدس به این حد بی ارش است که فدای هر مصلحتی می شود، کدام ضرورت و کدام الزام حکم می کند زمام امور را همچنان "فقه" در چنگال خود محکم نگه دارند؟ درست است که رژیم جمهوری اسلامی نیز مانند همه رژیم های استبدادی، قبل از هر چیز به سرنیزه متکی است، اما هر دیکتاتوری - و به ویژه استبداد آخوندها - به غیر از سرنیزه، از حربه "ایدئولوژی" قوی برای پابرجا نگه داشتن خود بهره می گیرد. کلیسای کاتولیک در قرون وسطی، چیره بودن خود بر چنان و مال همان را از رسالت الهی، جانشینان مسیح و از اینکه "رم مرکز جهان است" استنتاج می کرد. حتی اگر کسی پیدا می شد و می گفت این رم شما، خود قفله ای بر روی گره

کوچکی است که سالی یک بار به دور یک خورشید از میلیونها خورشید جهان می چرخد، پاسخ شگفتی و سوزاندن بود. هیتلر، خود را مصلحی ژرمن ها، "قوم برتر" می دانست و ترجیه لشکر کشی هایش، هم همین بود. خمینی هم حکومت خود را بر تز ولایت فقیه استوار کرده است. آیا اعلام ورشکستگی - هر چند مکتوم - این تز ضربه ای چیران ناپذیر بر پایه های این حکومت نیست؟ پاسخ به این پرسش، به ویژه زمانی اهمیت می یابد که در نظر آوریم، در سالهای آینده خمینی بی شک دچار "مشکلات" بسیار بزرگتری از جانب بزرگترین دشمنان حکومتش، مردم، خواهد بود.

انتخابات مجلس

به آینده ای نزدیک تر بنگریم. در روز ۱۹ فروردین، مرحله نخست سومین دوره انتخابات مجلس آخوندی برگزار خواهد شد. تمام طول سال ۶۶، سال تشدید رقابت ها برای تسخیر این "خاکریز" مهم در نظام حکومتی جمهوری اسلامی بود. سال ۶۶ سال تحمل ضربات سنگینی در این عرصه او سوی جناح "رسالتی" بود. ناطق نوری، وزیر کشور سابق و از سردمداران این جناح، به قول یکی از نمایندگان مجلس آخوندی، "مهره چینی" مصلحی در فرمانداری ها و استانداری ها و شوراهای آنها کرده بود، محتشی، وزیر کشور فعلی و وابسته به جناح رقیب، دست به تصفیه وسیعی زد و گفت، "هر کسی که مخالف دولت باشد، ما بدون رودربایستی کفارش می گذاریم." (رسالت ۲۱ خرداد) متقابلاً شورای نگهبان به تکیه گاه عمده رسالتی ها در جریان نظارت بر انتخابات تبدیل شده است.

تحول مهم دیگری که در سال ۶۶ به وقوع پیوست، مرگ حزب جمهوری اسلامی بود. در روز ۱۲ خرداد، نامه خامنه ای و رهنجانی به خمینی مبنی بر تقاضای "تخلیل" حزب و پاسخ خمینی دایر بر موافقت با این تقاضا، انتشار یافت. حزب جمهوری اسلامی هم به سر قوشت "ساوان مجاهدین انقلاب اسلامی" دچار شد. انحلال این حزب، قبل از هر چیز به ضرر جناح "فقه سنتی" تمام شد که مواضع کلیدی را در این حزب در اختیار داشت و به خصوص در انتخابات مجلس، او این اهرم نیرومند بهره می گرفت. پس او انحلال حزب جمهوری اسلامی، خمینی در مذاکره خصوصی به مهدوی کنی اجازه داد "جامعه روحانیت مبارز تهران" به

معرفی کاندیدا برای تهران اقدام کند و جمعیت های مشابه در شهرستانها، با این جامعه برای معرفی نامزدها "مشورت" کنند مهدوی کنی سپس اعلام کرد ائتلافی با گروه مهدوی رقیب که زیر پوشش "دفتر تحکیم وحدت" عمل می کند، در کار نخواهد بود.

وصیتنامه خمینی

بدون تردید، ماجرای "وصیت نامه سیاسی - الهی" خمینی که در روز ۱۹ آرماء مهروموم شده تحویل سرکردگان حکومت داده شد، در رابطه با تشدید بحران رژیم قابل بررسی است. رهنجانی چندی پس از تعویض وصیتنامه خمینی، تاکید کرد مسئله جانشینی بخلیفه چماران موضوع این تعویض نیست و تعیین جانشین بر عهده مجلس خبرگان است. وی او و دو تغییر شرایط کشور باعث شده است خمینی "فصاحت" و "وصایای" خود را عوض کند. ظواهر امر نیز نشان می دهد منتظری همچنان جانشین رسمی خمینی است. رسانه های رژیم از این آخوند ابله همچنان با عنوان ولیعهد نام می بردند. اما وصایای جدید خمینی و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت "شمی تواند مطلقاً مفید و بدین ارتباط با مسئله جانشینی خمینی باشد. آینده "مجمع تشخیص مصلحت" چیست و رابطه آن با "ولی" بعدی چه خواهد بود؟ آیا منتظری روی دست خمینی و سایرین مانده است و می خواهد تنها نقشی مانند "پادشاه مشروطه" به او محول کند؟ یا از آغاز چنین نقشه ای داشته اند؟ آنچه مسلم است، این است که موقعیت منتظری به عنوان یک طرف رقابت درون رژیم، با محاکمه و اعدام مهدی هاشمی به شدت تضعیف شد. سخن رهنجانی خطاب به خمینی بسیار پرمعنی است، "غیر از شخص جناب عالی هیچ کس زیر این آسمان وجود ندارد که بتواند مسائل را حل بکند... مانی دافیم در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام بدهد."

تابلویی که مجموعه این رویدادها و روشدها از بحران رژیم بدست می دهد، حاکی از آن است که آینده موجودیت این رژیم نیز با تداوم تشدید این بحران رقم خواهد خورد. نه تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" و نه هیچ اقدام دیگری در تحلیل نهایی قادر به حل این بحران، که ذاتی حکومت فقیه است، نخواهد بود. سال ۶۶ با هر چستی بی سابقه ای، این واقعیت را نشان داد.

سه صحنه از رزم زنان

شیلی

حرکتهای اعتراضی زنان آمادگی کسب کرده بود. اقدام شجاعانه زنان شیلیایی بازتاب وسیعی در مطبوعات بین المللی یافت.

در روز ۸ مارس پلیس پیئوشه به زنان تظاهرکننده در شهر سانتیاگو حمله برد و ۱۰۰ تن از آنان را دستگیر کرد. پلیس از چند روز پیش برای مقابله با



آفریقای جنوبی

برتوریا در زمینه ممنوعیت سازمانهای قانونی ضد آپارتاید دست به اعتراض زده بودند.

در روز ۸ مارس در شهر ژوهانسبورگ پلیس رژیم نژادپرست به مقابله گروهی از زنان پرداخت که علیه قوانین تازه رژیم



فلسطین اشغالی

با تظاهرکنندگان پرداختند. عکسهای زیر صحنه های غرور افکیزی از رزم زنان فلسطینی را تصویر می کنند. با حضور موثر زنان چفیش در فلسطین اشغالی، عمیقاً توده ای شده است.

زنان یکی از ارکان اصلی مبارزه علیه اشغالگران صهیونیستند. در روز ۸ مارس زنان فلسطینی در خیابانهای بیت المقدس (اورشلیم) دست به تظاهرات زدند. انبوهی مزدور پلیس وارث به مقابله



درباره وضعیت طبقه کارگر عراق

بقیه از صفحه آخر

* "من شنیده‌ام که اتحادیه جهانی سندیکایی تصمیم حکام عراق مبنی بر انحلال اتحادیه سندیکایی سراسری و کارمند اعلام کردن همه کارگران بخش دولتی را محکوم کرده است. این اقدام را چگونه باید تعبیر کرد؟ چه چیز رژیم بغداد را بر آن داشته است که طبقه کارگر را "مصلح" کند؟" او پیرئوس، یوفان، دیمیتریس کریستوپولوس.

** رئیس جمهور، صدام حسین، در بهار سال ۱۹۸۷ اعلام کرد همه کارگران بخش دولتی او این پس کارمند محسوب خواهند شد و "اتحادیه عمومی سندیکاهای عراق" منحل می‌شود. این تصمیم مورد تایید "شورای فرماندهی انقلاب" هم قرار گرفت. اهداف این اقدام کدامند؟

تصمیم مؤبور برای کارگران کشور ما غیرمفطره نبود. این تصمیم، نتیجه مطلق سیاست رهبری بعث مبنی بر سرکوب مبارزه و حتمت‌کشان با توسل به تضييقات، جلوگیری از سازمان‌یابی آنها و پایمال کردن حقوق و دستاوردهای و حتمت‌کشان است.

از ویژگی‌های بارز بعضی‌های عراق، نفرت از طبقه کارگر و حزب کمونیست آن است. پس از آنکه حزب بعث در ژوئیه ۱۹۶۸ با یک کودتا رهبری کشور را به دست گرفت، در همان سال در پنجم نوامبر پلیس طبق دستور از بالا بروی کارگران اعتصابی چاه‌های نفت آتش گشود. کارزار وسیعی برای کشیدن سندیکاهای کارگری به زیر نفوذ بعثی‌ها و تبدیل آنها به عنصری از مقام پلیسی، به دستگامی برای تسمیق ایدئولوژیک و گمراه کردن و حتمت‌کشان آغاز شد. فعالیت سندیکایی تنها برای اعضای حزب بعث مجاز اعلام شد. فرشتان برجسته خلق ما به زندانها و اردوگاه‌ها فرستاده شدند. هر کسی که جرات ابراف حتی کوچکترین مخالفتی با سیاست حکام به خود می‌داد، به سختی مجازات می‌شد. در سال ۱۹۷۹، محمدعایش، صدر اتحادیه عمومی سندیکاهای عراق، با دین‌فائل، دبیر کل اتحادیه و یحیی عبدالعسین، مسئول دفتر مرکزی کارگری حزب بعث، اعدام شدند.

امروزه نیز دیکتاتوری به مشی ضد کارگری خود ادامه می‌دهد، استثمار و حتمت‌کشان را شدت می‌بخشد و از آخرین توان آنها برای جبران کمبود نیروی کاربر اثر بسیج جمعی جهت جنگ بیهوده، بهره می‌گیرد. (در حدود ۵۰ درصد جوانان قادر به کار به سربازی، فرستاده شده‌اند.) حکومت‌گران برای وادار کردن مردم به کار در منطقه جنگی بدون پرداخت اضافه دستمزد، کارزار به اصطلاح ارتقای سطح تخصص حرفه‌ای را به راه انداخته‌اند. بخشی از دستمزد ناچیز و حتمت‌کشان را به عنوان "کمک به جنگ" نته

می‌دارند، و به اضافه کاری بدون اضافه دستمزد، صورت قانونی بخشیده‌اند. به مدیران کارخانه‌ها اجازه داده‌اند و حتمت‌کشان را به اجبار در هر جا به کارگمارند. به خودکامی جنبه رسمی داده‌اند، مدیریت‌های کارخانه‌ها می‌توانند کارگران را اخراج کنند، آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنند، از مویا کسر کنند و غیره.

ساعات کار روزانه به ۱۰ تا ۱۲ ساعت افزایش یافته است. مفع قانونی کارژنان در شیفت شب ملغی شده است. هر کارگری که به‌دور غیرموجه غیبت کند، از چهار برابر دستمزد خود در مدت غیبت محروم می‌شود. به کارگران بیمار تنها ۷۵ درصد پیمه بیماری را می‌پردازند. روزنامه بعثی رسمی "الجمهورية" اعتراف کرده است که خدمات پزشکی در سالهای اخیر ۴۸/۲ درصد کاهش نشان می‌دهد، اما آن را به "افزایش آگاهی بهداشتی کارگران" نسبت داده است و در این رابطه هیچ اشاره‌ای به جنگ نمی‌کند.

حکومت مدعی است در کشور مبارزه طبقاتی وجود ندارد و می‌کوشد چچین الفا کند که رژیم بایدارو مانند نشی است. حکومت تلاش دارد نشان دهد تضاد اصلی در جامعه عراق، نه میان و حتمت‌کشان از یک سو و استثمارگران و گروه حاکم با دستگاه سرکوبش از سوی دیگر، بلکه میان کارگران و کارمندان است. از طریق کارمند محسوب کردن کارگران می‌خواهند و اشمود کنند کارگران را به بخشی از ماشین دولتی تبدیل شده‌اند و در نتیجه میان آنها و کارفرمایان سرمایه‌داری بوروکرات دولتی - هیچ مبارزه طبقاتی دیگر نمی‌تواند وجود داشته باشد.

ماهیت واقعی رژیم از این امر پیداست که می‌کوشد مناسبات تولیدی سرمایه‌داری را تثبیت کند و برای بخش خصوصی همه نوع امتیاز قائل شود. کارخانه‌های دولتی به مقیاس وسیع به فروش می‌رسند، مزارع دولتی و تعاونی‌های دهقانی منحل می‌شوند. قوانین مربوط به حقوق و حتمت‌کشان که آن را در مبارزه‌ای طولانی و سخت کسب کرده‌اند، لغو شده‌اند. رژیم که چهار تئولول شده است، برای جلب حمایت بورژوازی داخلی و خارجی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. مثلاً در سال ۱۹۸۴ یک اتحادیه کارفرمایان تاسیس شد که در اسناد حزب کمونیست عراق به عنوان هسته یک حزب سیاسی انکلی صفت‌ترین افشار بورژوازی بزرگ ارزیابی شده است.

رهبر، بعث با سیاست ضد کارگری خود همچین می‌کوشد با انتقال باربران به دوش طبقه کارگر، از

موقعیت بحرانی نجات یابد. بدین منظور، حکومت به موجودی صندوق‌های بانئستکی و رفاه اجتماعی که از پهل و حتمت‌کشان جمع شده است، دست می‌افدازد. دیکتاتوری همچین کارمندان را به کارگری وامی‌دارد تا کمبود پرسنل را که بر اثر جنگ و خروج جمعی کارگران خارجی پیش آمده است، جبران کند. رژیم دچار این توهم است که می‌تواند از این طریق طبقه کارگر را "مصلح" کند و حتی نام آن را از میان ببرد. اما واضح است که رژیم از طبقه کارگر و حزب آن، به‌خصوص اکنون که کمونیست‌ها نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند و فعال‌تر می‌شوند، مبارزه همه‌تیر و های ملی و میهن پرست بر علیه دیکتاتوری روبره اعتلاست

وقتر فوقانی حاکم هر چه بیشتر مفعوی می‌شود، هراس دارد. پایگاه اجتماعی رژیم کوچکتر می‌شود، در محافل گسترده مردم - از جمله در نیروهای مسلح و حزب بعث - تارضایتی از سیاست جنگ و سرکوب حکومت بعث و مقاومت در برابر این سیاست رشد می‌کند.

حکومت می‌خواهد از ایجاد هر سازمان مستقلا

توسط کارگران که می‌تواند به سلاخی بر

دیکتاتوری تبدیل شود، جلوگیری کند. از این رو

یک هدف مشخصه "انحلال" طبقه کارگر و "مضمحل"

شدن آن در میان توده کارمندان هم این است که

سازمانهای کارگری در کارخانه‌های بخش دولتی که

بخش اعظم پرتولاریای عراق در آن متمرکز است، از

میان بروند.

در یکی از آخرین بیانییه‌های "جبهش سندیکایی دمکراتیک کارگران جمهوری عراق" دستور حکومت میخی بر کارمند اعلام کردن کارگران، لفقاشون کار و انحلال اتحادیه سراسری سندیکایی محکوم شده است. جفیش مؤبور با اینک غیرقانونی فعالیت می‌کند، می‌کوشد در واحدهای صنعتی و کشاورزی، شبکه‌ای از پایگاهها ایجاد کند. تا بحال چندین اعتصاب سازمان داده شده‌اند. "صوت‌العمال" (صدای کارگران) ارگان مطبوعاتی مرکزی مانقش موثری در متعده کردن و سازماندهی و حتمت‌کشان دارد و در عین حال به افشای سیاست حکومت برای متفرق کردن صفوف کارگران می‌پرداؤد.

ما برای همبستگی اتحادیه جهانی سندیکای اتحادیه سراسری سندیکاهای عرب که کام ضد کارگری رژیم عراق را به مثابه نقض اساسنامه سازمان بین‌المللی کار و سازمان کار عرب ارزیابی و تاکید کرده‌اند این اقدام در چارچوب تشدید یورش به حقوق و آزادیهای سندیکایی در کشورهای مختلف است، اهمیت و یادی قائلیم. این اتحادیه‌ها از دولت عراق خواسته‌اند فرمان انحلال اتحادیه عمومی سندیکاهای عراق را پس گرفته بار دیگر اجازه فعالیت آزاده این اتحادیه را صادر کنند.

* ص ۱۲، ستون ۱ بند ۱۰، پاراگراف ۲، سطر ۶
به این رژیم
* ص ۱۲، ستون ۱، بند ۱۱، سطر ۲
بشریت را
* ص ۱۲، ستون ۲، بند ۵، سطر ۹ و ۱۰ که با کار
* ص ۱۴، ستون ۱، سطر ۸ پیچیده با سرعت
* ص ۱۴، ستون ۲، سطر ۲ زیر نویس جا افتاده است
- (۱) اتکلس، منبع پیشین، ص ۶۹
- (۱۰) هراقتیکسا اشتورم، مساله زن و
فیشینسم، نشریه کسبه کویت، برلین غربی، شماره
اول سال ۱۹۸۱، ص ۶۵
- (۱۱) آگوست ببل و متعج پیشین، ص ۶۹

کلکتیوهای پایدار کار

* ص ۱۱، ستون ۲، بند ۵، سطر ۴ در تضمین بقا
* ص ۱۱، ستون ۲، پاراگراف ۴ استثمار شدید
و فنان و از این طریق

* ص ۱۲، ستون ۲، بند ۸، پاراگراف ۲، سطر ۵
رفق تبعیض و ستم جفی است، و فنان همه طبقات و
اقتشار شرکت می‌جویند. این موضوع که تا چه حد
جفیش "خواهران متخاصم" بورژوازی و پرتولری ده
گلوخته در جریان افکشاف سرمایه‌داری اضمحساری
دولتی به یکدیگر نزدیک شده‌اند، مساله‌ای است
که باید دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. امروزه در
جریان دگرگونی‌های عظیم جامعه...

تصحیح و پوزش

متاسفانه مقاله "توهای در زمینه آزادی و فنان" که در شماره پیشین "اکثريت" چاپ شد، حاوی غلطهای چاپی عدیده‌ای بوده است، که ضمن پوزش از خوانندگان بدیغرسيله شکل صحیح غلطهای عمده آن ذکر می‌شود.

* ص ۱۰، ستون ۲، سطر اول، مورد بررسی...
بند ۲، سطر ۱۱، تعیین‌گرایی سطر ۱۴، نوع - ۴ سطر
ماقده به آخر ستون و قوم شغاسی
* ص ۱۱، ستون اول، سطر ۵، دوکلان - سطر ۶
عضو کلان خود، سطر ۷، وگاه در میان - سطر ۱۰

درگیری میان حزب الله و امل در لبنان

به گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی، بدنبال ربوده شدن سرهنگ آمریکایی هیکیز از افسران نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان توسط گروه حزب الله، نیروهای گروه امل به مواضع طرفداران خمینی در جنوب لبنان حمله ور شده در جستجوی محل زندانی شدن سرهنگ آمریکایی، چندتن از افراد حزب الله را بازداشت کردند. جمهوری اسلامی و طرفداران لبنانی اش نسبت به این اقدام امل واکنش تند و تندی نشان دادند.

د رادامه درگیری، نیروهای امل به یک دفتر تبلیقاتی وابسته به سفارت جمهوری اسلامی در بیروت صور حمله کردند. همچنین در روز ۶ اسفند ماه (۱۶ مارس) میان نیروهای امل و حزب الله در روستایی در منطقه ضعیفه زدوخوردی روی داد که طی آن ۸ تن از طرفین مجروح شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، در این درگیری از سلاح های خودکار و موشک ضدتانک استفاده شد.

روزشهد ادر فلسطین اشغالی

چهارشنبه گذشته "روزشهدا" در فلسطین اشغالی بود. به همین مناسبت در اردن غربی و نوار غزه تظاهرات متعددی برگزار شد. اشغالگران صهیونیست وحشیانه به تظاهرکنندگان حمله بردند و سه جوان فلسطینی را کشتند.

شیرش خاق در مناطق اشغال شده نیرنگهای مختلف برای لگدکوب کردن حقوق مردم فلسطین در پوش راه حلهای دیپلماتیک را خنثی می کند. طرح شولتو، برای سلب حق نمایندگی خاق فلسطین از سوی ساف ره به جایی نپرد. ساف شرکت در یک اجلاس بین المللی در قالب جز" فرودست هیات نمایندگی اردن هاشمی را رد کرد و این طرح را یک "توطئه آمریکایی" نام نهاد. اختلاف داخلی حکومت اسرائیل نیز در بی سرانجام ماندن طرح شولتر موثر بود.

در هفته گذشته دولت آمریکادفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در مقر سازمان ملل متحد را بست. این اقدام کینه توزانه، که خلاف موازین پذیرفته شده در رابطه با استقرار مرکز سازمان ملل در شهر نیویورک است، مورد انتقاد دبیرکل سازمان ملل قرار گرفت.

مبارزات انتخاباتی در آمریکا

مبارزات پیش از انتخابات رئیس جمهوری، در هفته گذشته، در جوش و جوش را در مقام کاندیدای حزب جمهوری خواه تثبیت کرد. تاکنون او حامیان ۲۲ میلیون دلار برای کسب این موفقیت خرچ کرده اند. رقبای جوش از حزب دموکرات به ترتیب امتیازاتی که در جریان مبارزات پیش از انتخابات به دست آورده اند عبارتند از مایکل دوکاکیس فرماندار ایالت ماساچوست و سناتور آلبرت گار از ایالت تنسی.

برای ریشه یابی و بر طرف کردن مسایل پدید آمده در فراه باغ

ارمنستان و کامران باقر ف دیبر اول حزب کمونیست آذربایجان خواست به اتفاق هم راه حلهای موثر در از مدتی را بپایاند که مناسبات خلقهای ارمنی و آذری را بر مبنای اصول لنینی حل مساله ملیتها، مودت آمیز کند.

میخائیل گورباچف در اجلاس شوروی تاکید کرد که اصول لنینی حل مساله ملیتها باید کاملاً رعایت شده و بر این اساس بین همه خلقهای اتحاد شوروی مناسبات برادرانه برقرار شود. گورباچف تاکید کرد که امر وژه خوسازی در ارتباط با بر طرف کردن مشکلات ملی قادر است به حل مسائلی که در برابر خود نهاده نایل شود.

دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی از دیبران کمیته مرکزی خواسته است اوضاع فراه باغ را بررسی کرده و مسائل اخیر در این منطقه خود مختار و در جمهوری های آذربایجان و ارمنستان را ریشه یابی کنند. هیات دیبران پس از تحلیل اوضاع پیشنهادها، خود را برای حل مساله در اختیار کمیته مرکزی حزب و دولت شوروی قرار خواهد داد.

این موضوع پس از یک اجلاس شوروی در کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که دیبران اول حزب کمونیست آذربایجان و حزب کمونیست ارمنستان نیز در آن شرکت داشتند اعلام شد. اجلاس از کارن دمیرچیان دیبر اول حزب کمونیست

حامیان رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی



آنها قطعنامه مجازات اقتصادی رژیم پرتوریا در شورای امنیت را وتو کردند.

نمایندگان انگلستان و آمریکا در شورای امنیت، دستشان را به حمایت از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بلند کرده اند.

ریاست جمهوری مجد دودیکتاتور

ژنرال ارشاد مجدداً جای شیرا در مقام رئیس جمهور بنگلادش تثبیت کرد. عوامل او در پارلمان اکنون اکثریت را به دست آورده اند. انتخابات پارلمان را احزاب اپوزیسیون تحریم کرده بودند. در چهار ماهه گذشته بنگلادش هر روز و هر هفته شاهد اعتصاب و تظاهرات بوده است. در این مدت ۲۵ بار در بنگلادش اعتصاب عمومی برگزار شده است. هر هفته چند ده نفر به دست پلیس و ارتش کشته شده اند. — سوار ترشیدو برای ۵ سال دیگر بر کرسی ریاست جمهوری اندونزی تکیه خواهد زد. او از ۲۰ سال گذشته تاکنون عهده دار این مقام بوده است. کودتا علیه سوکارتو، وی را به این مقام رساند. در جریان این کودتا ویس از آن دست کم نیم میلیون نفر قتل عام شده و ۶۰۰۰۰ نفر به زندان افکنده شدند. قربانیان این کودتا عمدتاً کمونیستها بودند.

تشدید فشار آمریکا بر روی پاناما

در هفته گذشته فشار آمریکا بر روی پاناما برای اعاده پست رئیس جمهوری به بهره مورد اعتماد ایالت متحده دولاله، فزونی گرفت. مجانب نمایندگان از کاخ سفید خواست که تمهیدات حادی علیه پاناما اتخاذ کنند. ایالت متحده هر ماه از بابت اجاره کانال پاناما ۶/۵ میلیون دلار به دولت این کشور می پردازد. از جمله تمهیدات کاخ سفید عدم پرداخت این مبلغ به پاناما است. آمریکا علاوه بر فشار اقتصادی موجی از ناآرامی در پاناما به راه انداخته است. هدف آمریکادوم چنگ اندازی بر روی کانال پاناما است.

آمریکا ۱۰۰۰۰ سرباز در پاناما مستقر کرده است. آنها آماده شده اند تا هر آن دست به مداخله مستقیم در امور داخلی پاناما بزنند.

درباره وضعیت طبقه کارگر عراق

هرگز هفته از "مسایل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۲ سال ۱۹۸۸

طبقه‌ای را با فرمان و قانون، "پایان بخشید". صدام حسین با از این هم فراتر گذاشته و طبقه کارگر را به خیال نمود "مذلل" کرده است. نشریه مسائل صلح و سوسیالیسم در شماره ۲ سال ۱۹۸۸، در بخش پاسخ به سؤالات خوانندگان به این فرمان و وضعیت طبقه کارگر در عراق پرداخته است که ترجمه آن را در ژیر می‌خوانید. این پاسخ به قلم قزوینه عابد، نماینده "جنبش سدیایی دمکراتیک کارگران جمهوری عراق" است. بقیه در صفحه ۱۴

چندماه پیش، صدام حسین دیکتاتور عراق با صدور فرمانی، همه کارگران بخش دولتی این کشور را "کارمند" اعلام و اتحادیه عمومی سدییکاهای عراق را منحل کرد. بلندگوهای تبلیغاتی رژیم عراق چارو چنچال فراوانی در این باره به راه انداختند که یادآور تبلیغات مشابه فاشیسم هیتلر و موسولینی بود. همه دیکتاتورها، از جمله شاه، خمینی و صدام حسین، کوشیده و می‌کوشند خود را "ماورای طبقه" جا بزنند. همه آنها کوشیده و می‌کوشند تا مبارزه

کنگره صلح در ایتالیا

اولین کنگره نمایندگان کمیته‌ها و انجمن‌ها، گوناگون محلی در ایتالیا که برای پیشبرد مبارزه در راه صلح و خلع سلاح می‌کوشند، در روزهای ۲۶ تا ۲۸ فوریه ۱۹۸۸ در شهر باره، ایتالیا برگزار شد. در این کنگره فداییان خاق ایران

(اكثریت) در ایتالیا شرکت داشتند و لی‌اجلاس عمومی آن پیامی قرائت کردند. در پیام مزیور، ادامه جنگ ایران و عراق محکوم شد و از شرکت‌کنندگان در کنگره خواسته شد همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران در راه صلح گسترش بخشند.

در نگاه آخر به مالی که سر آمده

- * جنگ در سال ۶۶: درماندگی در فاز بین‌المللی در صفحه ۸
- * سال ۶۶، سال تشدید بحران قدرت در رژیم در صفحه ۱۱
- * مروری بر رژیم پرشکوه زندانیان سیاسی در سال گذشته در صفحه ۱۰



آمد بهار عاشقان تا خاکدان بستان شود
آمد ندای آسمان تا مرغ جان بران شود
هم بحر پر گهر شود، هم شوره چون کوثر شود
هم سنگ لعل کان شود، هم جسم جمله‌جان شود
گر چشم و جان عاشقان چو ابر طوفان بار شد
اما دل اندر ابر تن چون برقها رختان شود
داشی چرا چون ابر شد در عشق چشم عاشقان؟
زیر! که آن مه بیشتر در ابرها پنهان شود
ای شاد و خندان ساعتی! کان ابرها گرفته شد
یارب خجسته حالتی! کان برقها خندان شود
زان صدهزاران قطره‌ها یک قطره شاید بر زمین
ورژانک آید بر زمین جمله جهان ویران شود
جمله جهان ویران شود و ز عشق هر ویرانه‌ای
با فوج هم کشتی شود پس محرم طوفان شود
طوفان اگر ساکن پدی گردان نبودی آسمان
نوان موج بیرون از جهت این ش جهت جهان شود
ای مانده ژیر ش جهت هم غم بغور هم مخور
کان دافه‌ها ژیر زمین یک روز نخلستان شود
از خاک رووی سرکند، آن بیخ شاخ‌تر کند
شاخی دو سه گر خشک شد باقی آستان شود
و آن خشک چون آتش شود، آتش چو جان هم خوش شود
آن این نباشد این شود این آن نباشد آن شود
چیزی دهام را بهست، یعنی کفار بام و مست؟
هر چه توزان حیران شوی آن چیز از حیران شود

مولوی

بهاران خجسته‌باد

توضیح:

به منظور فراهم کردن خد نوروز نشریه اکثریت به روال هر سال یک هفته منحل خواهد بود. به منظور نشریه در روز اول فروردین انتشار خواهد یافت. شماره ۲۰ نشریه اکثریت در روز ۸ و ۹ و ۱۰ فروردین منتشر می‌شود.

برای اشتراك نشریات «کار» و «اكثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
☐	شش ماهه	۱۱ مارك	۱۳ مارك
نشریه «کار»	يك ساله	۲۱ مارك	۲۴ مارك
بهای اشتراك	سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
☐	سه ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
نشریه «اكثریت»	شش ماهه	۵۲ مارك	۵۸ مارك
☐	يك ساله	۱۰۲ مارك	۱۱۵ مارك

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.199
MONDAY 14 MAR 88

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید